

شاید فرصتی  
برای خدا حافظی  
نباشد

آیا راه درمان  
کرونا بستن دهن  
و معیشت مردم  
است؟

قوری و کتری  
دردی زما دوا  
نمی کند!

یکشنبه | ۱۸ آبان ماه ۱۳۹۹ | سال نهم | شماره ۲۵۵ | قیمت ۲۰۰۰ تومان

## ناگفته‌هایی از حاج حسن عباسی؛ فرماندار اسبق بوکان

صفحه ۴



### با شعارهای مضحک و ایدئولوژیک از خواب غفلت بیدار شویم

رضا سلیمانی

کرونا بد دردی است. جان و مال را با هم به خطر می‌اندازد. مردمان هم باید نگران جانشان باشند و هم دغدغه شغل و کارشان را داشته باشند تا می‌آید در این روزهای سخت بیکار شوند و نانی نداشته باشند که سر



سفره خانواده خود ببرند. طبق آمار وزارت بهداشت، هر روز شاهد پریپر شدن حدود ۳۰۰ انسان به خاطر کرونا هستیم. امروز بیش از هر زمانی دیگر، جامعه نیازمند روبروشدن با تحلیل و فهم پذیری روزآمد مفاهیمی چون ارزش و کرامت زندگی و زنده بودن، مسئولیت و هوشیاری اجتماعی، رسالت در سلامت عمومی، زیستن در شرایط اضطرار، تسری امید اجتماعی و ... هستیم و نیاز داریم با فهم شکست شعارهای مضحک و ایدئولوژیک زده ای چون "کرونا رو شکست می دهیم" خود و تصمیم گیران را از خواب آمارزدگی ها و عادی پنداری مرگ هموطنان بیدار نماییم.

ادامه در صفحه ۲

## چگونه در ایام کرونا فروش خود را ۲ برابر کنیم؟

جهت دریافت رایگان کتابچه الکترونیکی «فروش ۲ برابری»  
عدد ۱ را به شماره ۰۹۱۴۵۵۴۸۳۴۴ ارسال فرمایید.

برای اولین بار  
در شهرستان  
بوکان

با ما فروش خود را  
متحول کنید!

@sale\_double



# قوری و کتری دردی زما دوا نمی کند!

لقمان توتونچی



جهت تغییر و تحولات سازنده و مردمی به همراه مشارکت‌های مدنی را با خود داشتند، دگر امروز نیازی به نصایح کودکانه و تحقیرآمیز نامستولانه و به ظاهر مردمی برای حل مشکلات شهری-روستایی در حوزه دسترسی به ابتدایی‌ترین حق حیات اجتماعی (آب شرب) نبود.

نیازهای فیزولوژیک (خانه-غذا-پوشاک) ابتدایی‌ترین حق حیات هر اجتماعی است، برای ساکنان یک مکان جغرافیایی که تامین و حل مشکلات ساختاری در محدودی زمانی و مکانی با هزاران منت و شایب، شاه باجی بازی‌های فخر فروشانه امروزی بر مردمان دیاری که از هر لحاظ (طبیعی-انسانی) غنا دارد را نمی‌طلبد. واقعیت‌های امروزی از منابع خیری دور و نزدیک بنابر شواهد و قرائن داخلی-خارجی از وضعیت معیشتی و گذران ممر معاش مردمی از حکایتی ناخوشایند خبر دارد. آن چنانکه عده‌ای معدود، چاپلوس و کج‌اندیش که بالا بیگری چندین دهه‌ای خود را دلسوز این آب و خاک جا زده‌اند سعی دارند با همان شکل و سیاق دهه ۶۰ی با به سخره گرفتن مردم به همراه بازی با الفاظ با (نیش‌های تا بنا به گوش باز شده) مشکلات دیار مکریمان را که واقعاً عاجز از درک و حل آن‌اند حل نمایند، اینان که افکار سست عنصرانه ایشان در هر نظام حکومتی که باشد تا منفعت‌های شخصی و هزار فامیلی اینان را حاصل ننمایند. اولین پیمان شکنان تاریخ‌اند، ره به جای ندارند...

راهکار:

نظام مقدس جمهوری اسلامی از دو بخش جمهوریت+اسلامی تشکیل و از هرگونه اختناق و جمود حزبی و جناحی به دور بوده و هست و در واقع این مستولان واقعی، دلسوز و مردمی هستند که باید در شرایط ناخواسته فعلی (تحریم‌های ظالمانه+ سوی مدیریت‌های شخصی و جناحی را با تحلیل‌های درست و روا در وضعیت کنونی را بدون ذره‌ای اغماض، مصائب و مشکلات ساختاری مردم را روی قلم و کاغذ در دفتر اسنادی رسمی ملی تک به تک به شماره آورده و راه حل مشکلات موجود را به لحاظ زمانی و مکانی به سه دسته (بلند-میان و کوتاه) مدت تقسیم نموده و با استفاده از پتانسیل‌های موجود بنا بر اولویت‌های درجه بندی شده، قوای سه گانه به همراه مستولان ذی‌ربط مسائل و امورات کشوری را برای دست یابی به اهداف کلان ملی به همراه ثبات اقتصادی-اجتماعی با توجه به شرایط بحرانی فعلی اورژانسی ریشه‌یابی، پیگیری و حل نمایند.

نمایندگان بومی نیز باید به دور از جناح بازی‌های هزار فامیل فکورانه و مدبرانه نگاهی واقع بینانه به حل مشکلات مردم در سطوح مختلف کشور علی‌الخصوص حوزه انتخابیه خویش داشته و به جای پاک کردن صورت مسئله مشکلات و بهره‌گیری از فرمول دُم‌دی حذف و اضافات سلیقه‌ای، از توان فکری و کاری جوانان نخبه و برجسته بومی به منظور رفع و رهایی از مشکلات حاد فعلی در دیار مکریمان بهره‌وافی و کافی را برده باشد که انشالله، عقلانیت و مدنیت جایگزین دو گم‌اندیشی‌های انتقام جویانه شکل و سیاق نابخردانه گذشته اینان باشد.

در بسیاری از کشورهای ایدئولوژیک و مکتب‌گرا شعارهای کلیشه‌ای و توخالی تا بدانجا پیش می‌رود که درکی واقعی، اصولی و منطقی از تحولات جهانی، منطقه‌ای تفسیر و معنای خاصی در آنجا ندارد، آنچنانکه تغییرات ریشه‌ای و کلیشه‌ای داخلی در چهارچوب مرز دولت ملت‌های مذکور منوط به تفسیر شخصی، حزبی و جناح دارد.

در این اثنا عده‌ای منفعت اندیش داخلی بدون در نظر گرفتن منافع ملی سر در آخور منافع شخصی، حزبی و شعارهای کلیشه‌ای دهن پُرکن دهه‌های گذشته و به ظاهر مردمی و آرمان‌گرا دارند.

این آدم ان انسان نما به غیر از منافع شخصی و حزبی فکری دگر در سر نداشته و نپروارند و به غیر از مداحی و چاپلوسی هنری دگر در مدیریت حل بحران‌های داخلی و منطقه‌ای در باور کج اندیش‌شان نمی‌گنجد.

درک انسان بودن و شدن اینان افکار پوسیده و منحوس منفعت طلبی‌های حزبی و جناحی تزریق شده به باور کج اندیش جمود فکری‌شان است که در مخیله باورمندهای صدهای پیشین است.

هنوز درد مردم درد اینان نبوده و نیست، مگر هزار گاهی که شوافه‌های تبلیغاتی کوتاه بینانه ایشان بانگ برآورد آن‌هم در مسیری معین، تعریف شده و بی‌بازگشت که ره در مسیر منفعت طلبی‌های حزبی و جناحیشان توأم با شعارهای توخالی، بی پایه و اساس دارد که همواره با عجله سعی در پاک کردن صورت مسئله در سر دارند، غافل از آنکه در طول سالیان متمادی بی‌مدیریت اینان بوده که امروز مردمان سرزمین‌شان با مشکلات ریز و درشت ساختاری، بدون ذره‌ای احساس مسئولیت و وجدانی بیدار در قبال مسئولیت خطیری که مردمان به اینان سپرده‌اند دست و پنجه نرم می‌کنند، و نابخردانه مصائب و مشکلات ساختاری روز به روز مردم را در قه‌قرای فرو می‌برد (مصدق شعاری است؛ مرگ خوب است ولی برای همسایه).

قوری و کتری؛ مشکلات شهرستان بوکان و حومه به دهه‌های قبل‌تر و دوران اینان برمی‌گردد، آنچنانکه به کرات مستندات و شواهد تاریخی جناح بازی‌های هزار فامیل این نامستولان دیروز و امروزی بر خاطرات ما نقش بسته و بر تغییرات ناصحیح و ناثواب مسیر زندگی ما مستولی گشته است. به طوری که اگر مستولان دیروزی و امروزی ما کارشناسانه و متعهدانه با برنامه‌ها و پلات فرم‌های مشخص و مدون

# با شعارهای مضحک و ایدئولوژیک از خواب غفلت بیدار شویم

ادامه از صفحه اول



اگر نگاهی سطحی به کانال‌های خبری تحلیلی بیندازیم به جز روز شمار آمار کرونا توسط وزارت بهداشت و اخباری از فوت دردناک هموطنان در مناطق مختلف، نمودی از بحرانی به نام کرونا در آنها دیده نمی‌شود. گویا با افزایش و رکوردزنی لحظه ای تورم و عمیق تر شدن بحران اقتصاد و معیشت، این آمادگی ذهنی نیز فراهم شده است که به طور

طبیعی بحران کرونا و افزایش مرگ و میر ناشی از آن نیز گسترده شود. مقام معظم رهبری تاکید کردند که همه باید از قوانین وضع شده توسط ستاد ملی کرونا تبعیت کنند. بعد ما شاهد برگزاری مراسمات و... با حجم بسیار زیادی از آدم‌ها هستیم. این همه لجبازی برای چیست؟ واقعا فکر می‌کنید ما می‌توانیم با این وضعیت کرونا را شکست دهیم؟ من می‌گویم نه! ستاد ملی مقابله با کرونا باید پیگیر مراسمات باشد.

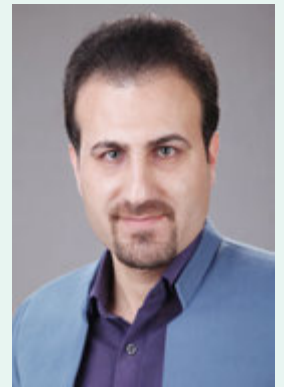
آدم‌ها در دسته‌های صدتایی می‌میرند، کسانی در به در دارو هستند، عده‌ای با وحشت مدام الکل به دست و صورت می‌زنند.

اگر مردم پروتکل‌های بهداشتی، فاصله اجتماعی و... را رعایت نکنند هفته‌هایی به مراتب خوف‌انگیزتر در انتظار همه است و می‌ترسم به جایی برسیم که نه تنها تختی برای بستری، بلکه سردخانه‌ای برای اجساد هم خالی نباشد.

در پایان باید گفت حق آن‌ها که مُردند این نبود، حق ما که هنوز زنده‌ایم این نیست. ما که از زندگی فقط کمی نان، کمی امید، کمی آرامش و کمی لبخند می‌خواستیم.

## شاید فرصتی برای خداحافظی نباشد

حمزه مرادی



باید بگویم که اکنون ما در بحران کرونا زنده مانده ایم فقط می‌توانیم آن را با کلید واژه شانس تعبیر کنیم شانس و فقط شانس، اکنون که زنده مانده ایم فقط باید خدا رو شکر کنیم که یکی از اعداد و ارقام فوتی‌های کرونا که از تلوزیون و رسانه‌ها پخش می‌شود نشده ایم. به گمان خودمان فکر می‌کنیم یا شاید خودمان را فریب می‌دهیم که کسانی که با کرونا فوت کرده‌اند بی احتیاطی کرده‌اند یا دارای بیماری زمینه‌ی و قبلی بودند و باز در حال فریب دادن خودمان هستیم چون خیلی از این افراد سالم

بودند و بسیار بیشتر از ما که زنده مانده ایم رعایت می‌کردند. تو چه میدانی از مردن و زنده شدن، راستش را بگو چه میدانی از دوری عزیزان که حتی به خاک سپردنش را نمی‌توانی ببینی، فقط میدانی که رفتند و رفتند. امروز غریب و معلقم. معلق تر از آنچه فکرش را بکنی.

خیلی از افرادی که با کرونا فوت کرده‌اند تمامی تلاش خود را انجام داده‌اند تا مراعات کنند و به کرونا مبتلا نشوند ولی کرونای بی رحم و غریب، گلوی آنان را فشرده و جان به جانافرین تسلیم کردند بی گمان آنان هم دوست داشتند که زنده بمانند در کنار خانواده و فرزندان‌شان باشند، عاشق شوند، عاشق بمانند و زندگی خویش را ببینند حتی دوست داشتند که زنده بمانند و همین زندگی پر از اعداد و ارقام دلار و سکه و گرانی و احتکار خودرو را داشته باشند ولی فقط زنده بمانند. حتی دلار سی و دو هزار تومانی را ببینند، سکه هفده میلیونی را ببینند، پراید صد و پنجاه میلیون تومانی بنجل را ببینند ولی فقط نفس بکشند و زنده بمانند. پس بدانید تقدیر همیشه در راه است کمی دور، کمی نزدیک، امروز یا فردا یا شاید دیروز کرونا باید یقه‌ی ما را می‌گرفت ولی یا شانس آورده ایم یا ما را فراموش کرده بود. این روزها زندگی‌مان معلق است روزی روی زمین، روزی در هوا، آخرین دیدارمان معلوم نیست، آخرین خداحافظی‌مان هم معلوم نیست، سلامان که دیگر هیچ. شاید اصلا فرصتی برای خداحافظی نباشد. این روزها فرصت‌هایمان پر از اعدا و ارقام مرگ شده است پس تا نرفته ایم و نرفته‌اند قدر هم را بدانیم چون حق آن‌ها که مُردند این نبود، حق ما هم که هنوز زنده‌ایم این نیست. حق آنان زندگی بود و حق ما هم آسایش.

همشهریان عزیز برای اطلاع از آخرین خبرهای بوکان عضو کانال تلگرامی بوکان پرس شوید  
@bookanpress

# مرثیه ای برای کولبری

محمد ها د یفر



کولبری ممر درآمدی برای مردمان مرزنشین می باشد که بصورت سنتی و با شیوه های مختلف از زمان های بسیار دور در عمده مناطق مرزی رواج داشته و هنوز هم ادامه دارد. اختلاف قیمت کالا در دو کشور، بیکاری و کمبود زیر ساخت های تولید داخل و پیوند های قومی در دوسوی مرز خصوصا در مناطق مرزی کردستان از عوامل اصلی رواج پدیده کولبری در مرزها می باشد.

سیاست های کلان اقتصادی کشور نیز از مجاری خود به رده های تابعه ابلاغ می شود که در این راستا دولت به عنوان مجری و مجلس به عنوان ناظر بر حسن اجرا و تدوین قوانین مربوطه و دیگر دستگاه های مرزی نظارت بر مبادلات را برعهده دارند. اما مدتهاست که این رویه از مسیر خود خارج شده، خصوصا در شرایط فعلی اقتصادی کشور، سلسله عواملی فشارهایی را به جامعه تحمیل کرده و در این بین هرکدام از متولیان فوق توجیه گر مسئولیت خود می باشند.

متاسفانه پس از افتتاح گمرکات و بازارچه های رسمی در مرزهای غربی کشور، سیاستگذاران کلان اقتصادی در منطقه، برنامه ای برای گنجانیدن معیشت مرزنشینان در کنار فرصت های قانونی جدید نداشتند هرچه ترافیک مبادلات تجارت رسمی بالاتر رفته مع الاسف حجم مبادلات غیر رسمی یا همان پدیده کولبری بر اثر بی تدبیری نیز گسترش یافته است. گویا اراده ای برای زدودن این ویترین ناخوشایند از جامعه گردی در بدنه سیاستگذاران اقتصادی دیده نمی شود.

دلیل اصلی این اهمال را می توان در چند چیز دانست. متولیان فوق الذکر کمتر به فکرچاره ای برای حل ریشه ای این موضوع بوده و هستند که با قید اولویت مسئولیت آنها؛ می توان تا حدودی به زوایای مختلف آن اشاره کرد. دولت به عنوان مجری سیاست های کلان اقتصادی کشور خصوصا در بحث معیشت مرز نشینان فاقد برنامه کاربردی و تخصصی می باشد علیرغم ارتباط تنگاتنگ بین امنیت و معیشت مرزنشینان تا کنون دولت نتوانسته با راه کارهای اجرایی این پدیده ناخوشایند را از جامعه بزدايد. مجلس به عنوان حامی و ناظر سیاست های اقتصادی کلان خصوصا مرزنشینان، تا کنون گام اساسی و کاربردی در این زمینه برنداشته است و این دو نهاد تاثیر گذار در معیشت مرزنشینان هردونگاه ابزاری به کولبری دارند تنها در مواقع نیاز به سراغ این برزخیان روی زمین رفته و پس از بهره برداری های خود تا وقتی دیگر یادی از آنها نمی کنند. هیچ یک از کولبران هم مالک و صاحب کالای خود نمیباشد عموما حمل بارهای دیگرانند همان کسانی که بیشترین بهره برداری را از

چالشهای کولبری می برند.

معیشت مرزنشینان وابسته مرز در یک مثلث «کولبر» و «پولبر» و «رای بر» می باشد درحقیقت پدیده کولبری ضلع سوم مثلث متساوی الساقین می باشد که کولبر بعنوان قاعده مثلث از ناچیزترین بهره برخوردار می باشد. در این بین کولبر بازنده اصلی و "پول بر" و "رای بر" هر یک با اضلاعی بلند بازی برد بردی را رقم می زنند.

"رای بران" از اعضای اصلی این مثلث بوده که بیشترین امکان برون رفت وضعیت فلاکت بار کولبری را در اختیار دارند اما متاسفانه نگاه ابزاری و سیاسی اجازه رفع این پدیده آزاردهنده از جامعه مرزنشینی کشور را به آنان نمیدهد.

گویا این پدیده یک منبع ثابت و قابل ملاحظه رای آوری است که دولت و مجلس اراده ای بر رفع آن ندارند تا درمواقع انتخابات از آنها استفاده بهینه ای داشته باشند چرا که دولت توان این را دارد که این نقیصه را با دیگر دستگاه ها برطرف نماید اما اراده نامعلومی پشت این ناکارآمدی وجود دارد که این امر تا کنون محقق نشده است. همچنین بخش عمده رای نمایندگان مجلس و مدیران محلی دولت در مناطق مرزی نیز از رنج و حرمان این کولبران بی پناه می باشد. بنابراین برای رفع مشکلات این برزخیان مرزنشین نیازی به فریاد بلند مجلسیان نیست که تریبون مجلس را از جای برکنند بلکه تدبیری قانونی می طلبد که با نیت خدمت واقعی که اشتغال نسبی را بر مناطق مرزنشین حاکم نماید. "رای بران" معمولا با داد و قال صورت مسئله را پیچیده تر می کنند آنان بزعم خود، خود را ندای مطالبه گری کولبران می دانند درحالیکه عمده راه حل مشکل کولبران خلاء قانون و شیوه های تجارت مرزنشینی است که به دست مجلس حل می شود درحالی که نمایندگان بدون اطلاع از جایگاه و مسئولیت خود همواره به فرافکنی

عادت کرده اند چون فریاد زدن هم کم هزینه است و هم عوام پسند. همه نمایندگان ادوار مجلس به مردم بگویند چندبار به قصد حل این مشکل با شورای عالی امنیت ملی بعنوان عالیترین دستگاه تصمات کلی اجرایی کشور به شورنشستند؟ چند بار کمیسیون های مجلس را بصورت جدی در این راستا فعال کرده اند؟ چند بار بصورت مجمعی با رئیس جمهور مشکل کولبری را مطرح نموده اند؟ چند طرح کاربردی را در این زمینه در صحن مجلس مطرح کردند؟

حال دو ضلع این مثلث بد ترکیب هرکدام متناسب با سهم خود شانه از زیر بار مسئولیت کولبری خالی کرده و انتظارات جامعه را متوجه دیگران می نمایند بنابراین "پول بران" و "رای بران" هرکدام با فرافکنی، خود را مطالبه گران نشان داده و ناظر مبادلات را بدون اینکه حدود و ثغوری برای آن تعریف نمایند بحال خود رها کرده اند. البته باید گفت شلیک غیرمجاز به کولبری که صرفا بدنبال معیشت می باشد مسئولیت شرعی و قانونی دارد حمل کالای غیرمشروع و غیرمجاز با حمل کالای غیرمجاز و مشروع تفاوت وجود دارد در این بین شفاف سازی نیروهای مرزبانی در تعیین مکان و زمان تردد برای معیشت جویان مرزی یک وظیفه سازمانی می باشد که صدور همین جواز نیز بصورت مستقیم و غیر مستقیم برضمه دولت و مجلس می باشد. گویی نمایندگان فقط مسئول فریاد زدن هستند و یا اینکه نقش بلندگوی آسیب دیدگان مرزی را بازی می کنند درحالی که دیگران هم می توانند این فریادها را چه بسا از آنان بلندتر بگوش همگان برسانند اما آنکه می تواند بدور از اغراض سیاسی و انتخاباتی راهگشا باشد نمایندگان دور اندیش و عاقل می باشند. بهرحال «پولبران» و «رای بران» دوضلع این مثلث درهرشرایطی درمقام برنده این مارا تن مرزی می باشند. تنها کولبرانند که همانند مرغان بی سرپناه در عروسی و عزای "رای بران" و "پول بران" قربانی می شوند.

# ناگفته‌هایی از حاج حسن عباسی؛ فرماندار اسبق بوکان



تهیه و تنظیم: شیرین ستایش

**\* لطفا خودتان را به طور کامل برای خوانندگان نشریه معرفی فرمایید.**

بنده حسن عباسی، بازنشسته و دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس، در سال ۱۳۴۰ در روستای عباس آباد متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در روستاهای داشبند و عباس آباد و دوره راهنمایی را در شهرستان بوکان، مدرسه خاقانی گذراندم. سال ۵۷ جهت طی دوره دبیرستان و دانشسرا عازم ارومیه شدم. سال ۱۳۶۲ به استخدام آموزش و پرورش درآمدم. ۲۲ سال در سمت آموزگاری و ۲۰ سال در سمت معاونت و مدیریت مدارس راهنمایی و مدیر دبیرستان خدمت کردم. پس از انتخابات سال ۸۴ ریاست جمهوری، در دیماه همان سال به سمت فرماندار شهرستان بوکان منصوب شدم و به مدت ۸ سال و ۵ ماه در این سمت خدمت کردم.

ای کاش مقدور بود آنچه بر من گذشت در این مدت هشت سال با جزئیات برای مردم بیان می کردم تا خیلی از مسایل مبهم عیان شود، افراد و نیت بعضی از مسئولین منافق صفت آشکار شود و چند چهره گی و باند بازی و فساد بعضی ها که به دروغ داعیه مردم دوستی و مردم داری را دارند، مردم فرهیخته شهرستان بوکان می شناختند، آنوقت خیلی ها رسوا می شدند و مردم خادم از خائن را باز می شناختند. خدایا تو شاهد و گواهی که در دوران مسئولیتیم صرفا بخاطر دفاع از حقوقات مردم، جلوگیری از باند و باند بازی، مبارزه با مدیران نا کارآمد و منفعت طلب و نالایق و دفاع از بیت المال و مبارزه با دروغ پردازی و فریبکاری و صاحبان زر و زور و تزویر چه اتهامات ناروا و نادرست به من نسبت داده نشد و چه بلاهایی که بر سرم نیامد!!!

**\* شما فکر میکنید تا چه اندازه عملکرد شما مورد رضایت مردم بوده است؟**

بنده ۷ دی ماه سال ۸۴ به سمت فرماندار شهرستان بوکان منصوب شدم. آن زمان بوکان وضعیت متفاوت با امروز داشت؛ تنش های روزهای آخر سال و چهارشنبه سوری، یک معضل برای مردم و علی الخصوص بازاریان محترم بود. تنش های آن ایام به حدی زیاد بود که مغازداران در آستانه عید، هر روز عصر مغازه خود را تعطیل می کردند. ما به صورتی برنامه ریزی کردیم که در واقع نوروز سال ۸۵ آرام ترین و با نشاط ترین عید بعد از

چندین سال بود. بنده خود و اعضای محترم شورای تامین در محلات مختلف شهر حضور پیدا کردیم و در مراسم عید و چهارشنبه سوری شرکت کردیم که این اقدام ما مورد استقبال مردم و جوانان قرار گرفت و خوشبختانه این معضل فروکش کرد.

آن زمان شهرستان مشکلات عدیده ای داشت: مناطق زیادی از شهرستان گازکشی نشده بود، فاضلاب خیابان انقلاب و خیابان کهنه دفع نشده بود، خیابان کهنه وضعیت نامناسبی داشت، شهرک فرهنگیان با مشکلات نبود تاکسی و کمبود و قطعی آب شرب مواجه بود، تنش میان آبفای شهر و هیئت مدیره محترم شهرک یک معضل بزرگ برای شهرک بود، صف های CNG، شش-هفت کیلومتر بود، معضل صف نان آزاردهنده بود، شبکه های آبفای شهری قدیمی و فرسوده بود، حهوزه گهوره؛ منبع تامین آب بخشی از شهر، سقف آن غیرمطلوب و آشیانه پرندگان و جانوران بود، گاز شهر مکررا قطع می شد، قاچاق سوخت مشکلات زیادی برای مردم ایجاد کرده بود، امیرآباد از کمبود مدرسه، کمبود نانوائی، نبود مرکز درمانی، وضعیت نامناسب کوچه و معابر، عدم وجود بانک و دفاتر پیشخوان رنج می برد، اسلام آباد هم وضعیت مشابه داشت؛ هیچ روستایی گازرسانی نشده بود، تعداد دهیاری ها از انگشتان یک دست کمتر بود، طرح هادی فقط در سه - چهار روستا اجرایی شده بود، در روستاها ایاب و ذهاب بسیار به سختی انجام می گرفت؛ از ۶۵۰ راه روستایی فقط ۱۱۰ کیلومتر آسفالت شده بود، بخش زیادی از راه ها خاکی بود، فقط ۴۲ درصد جمعیت روستایی از آب آشامیدنی سالم برخوردار بودند، تقریبا ۹۰ درصد روستاها فاقد تلفن بودند، کمبود مدرسه شبانه روزی موجب ترک تحصیل بعضی از دانش آموزان روستایی و یا مهاجرت روستاییان به شهر شده بود ...

ما با برنامه ریزی و تشکیل جلسات متعدد با روستاییان و تشکیل جلسه در مساجد و محلات براساس اولویت بندی با حول و قوه الهی، با تلاش شبانه روزی برای خدمت به مردم و خدمت ماندگار، کمر همت بستیم؛ درحالی که نماینده وقت بنای مخالفت با من را بنیان گذاشته بود، به شهرستان نمی آمد و وقت خود را فقط صرف برکناری من کرده بود. با توکل بر خداوند و با کمک همکارانم مقام عالی استان و هیئت دولت، خدمات ماندگار شایسته ای به مردم فهمیم و

فرهیخته بوکان انجام دادیم که بخشی از آن را عرض خواهیم کرد:

تکمیل و تجهیز فرهنگسرای سیمیرغ، احداث پل امیر آباد (پل رسالت)، توسعه بیمارستان از ۹۶ تختخواب به بیش از ۲۲۰ تختخواب، تاسیس دانشکده پرستاری که به علت مشکلات و موانع سر راه با اصرار و پافشاری زیاد به انجام رساندم، احداث استادیوم ورزشی خاتم الانبیا، احداث سالن ورزشی در منطقه کوی نساجی و شهرک فرهنگیان، احداث چندین سالن ورزشی در مدارس، تبدیل سالن های متروکه تعاون روستایی به سالن ورزشی جهت استفاده جوانان عزیز روستایی، ساخت استخر مقبل، ساخت خوابگاه ورزشکاران، کمک به بخش خصوصی و پرداخت تسهیلات ارزان قیمت جهت احداث استخر مجهز آبشار، ساخت بیش از ۲۷۰ کلاس درس در نقاط مختلف شهر و روستا؛ از جمله منطقه اسلام آباد و امیرآباد، منطقه مسکن مهر و مناطق محروم و کم برخوردار شهر، بازسازی بنای حهوزه گهوره، کمک به ساخت و بازسازی چندین مسجد در نقاط مختلف شهر و روستا، احداث مدرسه شبانه روزی در قره کند و سیمینه، احداث و بهره برداری سد خراسانه، استمرار فعالیت سد سیمینه و ممانعت از تعطیلی ساخت سد و تکمیل ۱۰۰ درصدی کانال انحراف سد، گاز کشی به امیرآباد و مناطق مختلف شهر که فاقد گاز بودند و منطقه پشت ۳۰ متری که با اصرار و پافشاری بیش از حد به انجام رساندم، جلوگیری از قطعی گاز خانگی با تکمیل و تجهیز خطوط انتقال گاز، بهره برداری از کارخانه سیمان با پیگیری مکرر و پرداخت

تسهیلات ارزی و ریالی و تسهیلات بلاعوض، توسعه شهرک صنعتی از ۸ واحد فعال به ۵۴ واحد فعال تولیدی و پرداخت تسهیلات برای ده ها احداث و توسعه واحدهای تولیدی خارج از شهرک صنعتی، برخوردار کردن ۹۸ درصد جمعیت روستایی از آب شرب بهداشتی، ساماندهی منطقه اسلام آباد و امیرآباد (ساخت مدرسه، سامان دهی نانوائی ها، استقرار بانک و مرکز درمانی و...)، کمک به احداث ۱۵۵۰ واحد مسکونی مسکن مهر، حدود ۱۶۰۰ واحد مسکن خودمالکی، بیش از ۱۵۰۰ واحد مسکونی روستایی، پوشش ۶۵ درصد آسفالت جاده های روستایی، پرداخت و جذب بیش از ۱۴۰ میلیارد تسهیلات بنگاههای اقتصادی زوده بازده و تسهیلات اشتغال روستایی، پرداخت تسهیلات به کشاورزان جهت تجهیزات کشاورزی و تبدیل ده هزار هکتار زمین به آبیاری بارانی، توسعه دانشگاه پیام نور، برخورداری صد درصدی روستاها از امکانات مخابراتی، توسعه خانه های بهداشت و مراکز درمانی روستایی، توسعه دهیاری های روستایی و طرح هادی روستایی، گازکشی به روستاها که قبل از مسئولیت اینجانب تعداد دهیاری ها و روستاهایی که طرح هادی در آنجا اجرا شده بود، از انگشتان دست کمتر بود!

این گوشه ای از فعالیت های اینجانب بود که با تلاش بی وقفه و شبانه روزی به انجام رساندم و سختی ها تحمل کردم مثلا:

برای دانشکده پرستاری تمام امکانات شهر را بسیج کردم و چندین بار مرتبا و مکرر به ارومیه مراجعه کردم و با اصرار و پافشاری رضایت دانشگاه علوم

پزشکی را جلب کردم. جا دارد یادی کنم از آقای کمال کریمی و دکتر عباسی که به من در این مورد کمک کردند.

برای توسعه جایگاه های CNG ترمینال، ناگزیر به تهران متوسل شدم؛ حتی تنش میان من و یک مقام ارشد وزارت نفت ایجاد شد که سرانجام برای رفع کدورت ایجاد شده، معاونت وزیر با تخصیص اعتبار موافقت فرمودند. برسر بودجه جهت تکمیل سد خراسانه و دفع فاضلاب منطقه ساحلی و رفع آلودگی این منطقه که محل تفریح مردم بود، با مدیران دستگاه های مذکور که از مدیران ارزشی و دوستان خودم بودند، درگیر شدم؛ حتی ورود آن ها به بوکان را منوط به تخصیص بودجه و انجام کار کردم که با پایا درمیانی مقام عالی استان و دستور اکید ایشان و حمایت وی از ما کار به انجام رسید. سال ۹۱ که پروژه توسعه بیمارستان با کمبود بودجه مواجه بود به جناب آقای استاندار و معاونت محترم وزیر مسکن متوسل شدم، ایشان را به بوکان دعوت کردم و بودجه بیمارستان یکی از شهرستان های دیگر را به بوکان اختصاص داد و مانع تعطیلی کار ساخت بیمارستان شدیم. استادیوم ورزشی به علت وجود معارض، کار ساخت متوقف شده بود و کارگاه در حال انتقال به یکی شهرستان دیگر بود که در محل حضور یافتیم و با فشار و اصرار مانع انتقال کارگاه شدم و مشکل معارضین را برطرف و پیمانکار را وادار به ادامه کار نمودم و سختی های زیادی را در این راه متحمل شدم.

من خدمات ماندگاری انجام دادم؛ مبالغ زیادی اموال به غارت رفته شهرداری و مجمع را به بیت المال برگرداندم، شبانه روز کار می کردم و تعطیلی برای من مفهومی نداشت. در یک جلسه بسیار صمیمانه و محفل دوستانه از وزیر محترم کشور آقای نجاری خواهش کردم که در طرح تقسیمات کشوری در آینده، بوکان به عنوان مرکز استان موکریان - کردستان شمالی مد نظر قرار بگیرد و ایشان فرمودند که سریع درخواست کتبی ارائه نمایم و همین کار را انجام دادم و در سفرشان به کردستان خبر ایجاد استان جدید کردستان به مرکزیت بوکان را اعلام فرمودند. اینطور نبود که فقط از دور نظاره گر باشم؛ من صادقانه و پرتلاش دینم را به مردم ادا کردم و از هیچ تلاشی برای عمران و آبادانی شهرستان کوتاهی نکردم از مردم خوب شهرستان استعدا دارم خدمات من که مشهود، محسوس و قابل رویت است با فرمانداران قبل و بعد از من مقایسه کنند و خود قضاوت فرمایند.

**\* زمانی دکتر قسیم عثمانی از دوستان صمیمی شما و همسو و هماهنگ با شما بود ولی بعدها اختلافاتی بین**

**شما و ایشان به وجود آمد تا جایی که دکتر عثمانی برکناری شما را به عنوان دستاوردی مهم عنوان کرد، در این خصوص توضیح بفرمایید.**

در مورد علت اختلاف با نماینده، اجازه بفرمایید برای اطلاع مردم، برگردم به سال اول خدمتم در فرمانداری، سال ۸۴؛ علی رغم مخالفت نماینده با انتصاب من، سرانجام در هفتم دی ماه به سمت فرماندار بوکان منصوب شدم. دو ماه اول روابط خوبی میان ما برقرار بود تا اینکه به صراحت به نماینده عرض کردم: من خود را موظف به هماهنگی می دانم ولی اجازه دخالت در کار فرمانداری را به هیچ کس نمی دهم، من فرماندار هستم و قصد فرمانبرداری از نماینده را هم ندارم، می خواهم فرمانداری مستقل باشد و تحت امر نماینده نخواهم بود و وام دار ایشان هم نیستم. نماینده محترم با من تماس گرفتند و گفتند که رشید ایلخانی زاده چرا زیاد به فرمانداری رفت و آمد می کند؟ در جواب گفتم: علی رغم اینکه آقای ایلخانی زاده فامیل من است، با هم اختلاف شدید عقیدتی داریم و از این لحاظ به شدت با هم مخالفیم ولی اولاً ایشان عضو شورا و منتخب مردم هستند پس باید به فرمانداری تشریف بیاورند و قدمش روی چشم من؛ ثانیاً هرکس به فرمانداری بیاید، ما موظفیم در خدمتش باشیم و فرمانداری خونه ی بابای من نیست.

قبل از انتصاب من، هر روز عصر چندین مدیر جلو مغازه یکی از مشاورین ارشد آقای حبیب زاده (نماینده وقت)، در روبروی کوچه سرو ۱۲ و نرسیده به سالن ورزشی بانوان کوثر جمع می شدند؛ بنابراین به روابط عمومی دستور دادم که به مدیران اطلاع دهند جمع شدن آن ها در آن محل در میان مردم این شائبه را ایجاد کرده که برای حفظ پستشان آنجا می روند و این کار در شان مدیران شهرستانی نیست که من فرماندار هستم؛ زیرا عزل و نصب مدیران ادارات با فرماندار و مدیر کل است نه دست نماینده و مشاور ارشد و ایشان من بعد حق تجمع در آنجا را ندارند. این موضوع باعث شد نماینده محترم با من تماس بگیرد و اعتراض کند و میانه ما اندکی شکرآب شد.

همچنین در جریان پرداخت پرداخت تسهیلات (بند ژ) اشتغال روستایی، دستگاه مجری که ریاستش در دوره مدیریت مرحوم ابادری توسط آقای نماینده منصوب شده بود، تعدادی زیادی از دوستان نماینده را جهت تأیید معرفی کرده بود؛ مثلاً از یک خانواده، ۷ نفر و بنده هم تأیید نکردم. نماینده تماس گرفت و اعتراض کرد. به ایشان گفتم وام باید به همه برسد؛ اگر قرار باشد به نورچشمی ها برسد که حق بقیه ضایع می شود و دیگر عدالت مفهومی نخواهد داشت. همچنین

اعتراض ما به پرداخت تسهیلات کمیته امداد امام خمینی (ره) که به افراد نور چشمی داده شد، باعث شد ایشان تمام هم و غم خود را صرف برکناری من بکنند؛ در حالی که آقای رئیس جمهور در زمان تشریف فرمایی به بوکان از اختلاف نماینده با من خبر داشت، در حضور ایشان به من گفت: افرین کارت درست؛ محکم کارت را ادامه بده و اینکه من بارها مستقیم یا از طریق دوستان مشترک عرض کرده بودم تا دولت هست، من هم هستم، ولی باز وقت خود را فقط صرف برکناری من کرد. مکاتبات غم انگیز و شگفت آور که در مورد من انجام شده بود، دل هر انسان منصف و باوجدانی را به درد می آورد!

تنها دستاورد نماینده وقت برای برکناری من که از تعدادی از نمایندگان هم کمک می گرفت و همراه آن ها به وزیر محترم و حتی رئیس جمهور مراجعه می کرد، موافقت با تشکیل یک جلسه آشتی کنان در وزارت کشور بود که چشمتان روز بد نبیند؛ در آن جلسه چه تهمت هایی به من زده شد!! در پایان خبری از آشتی نبود و نهایتاً جلسه بر ابقای من و حمایت قاطع از من با فرستادن صلوات خاتمه یافت. نماینده با عصبانیت تمام و تهدید وزیر به استیضاح، جلسه را ترک کرد.

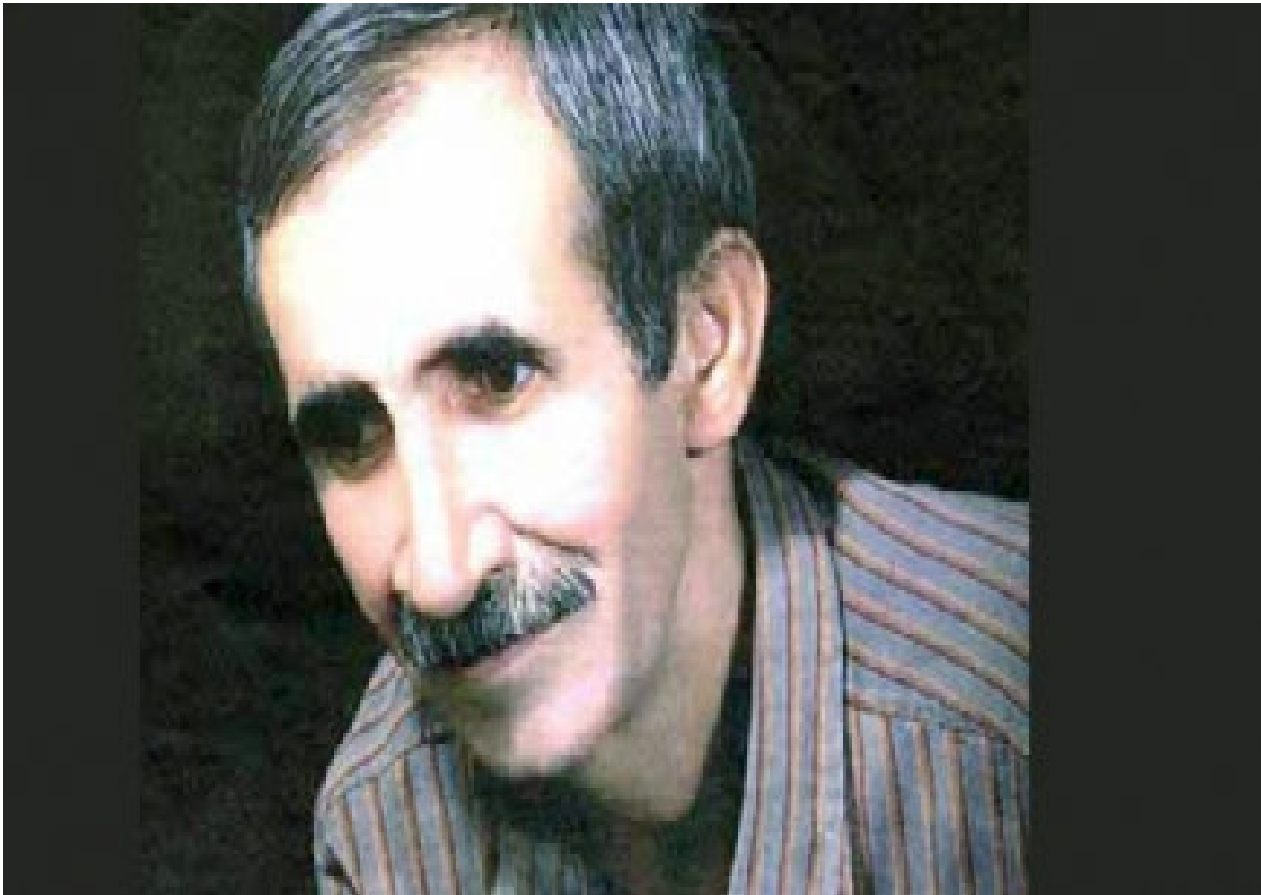
سال ۹۶ چند ماه مانده به انتخابات، مقام عالی استان و تعدادی از مدیران کل به بوکان تشریف آوردند؛ برای ادامه سد، برنامه بازدید از سد و روستا ها را تنظیم کردم. قرار بود هیئت بعد از اتمام برنامه بازدید از سد، راه های روستایی و ... به ارومیه بازگردند ولی هنگام رسیدن به شهر برگشتند فرمانداری. علت را جویا شدم؛ یکی از مدیران کل فرمودند که نماینده درخواست کرده تا شما را با هم آشتی دهیم. من هم به شدت مخالفت کردم و گفتم دوساله آنچه که از نماینده می شنوم فقط توهین، افترا، کارشکنی و تحریک افراد منتسب به خودش علیه من بوده، الان که دو ماه مانده به شروع برنامه انتخاباتی من آشتی کنم؟! هرگز هرگز. نهایتاً پس از کمی استراحت و اقامه نماز مغرب، مقام عالی استان و هیئت همراه، شهر را به طرف ارومیه ترک نمودند.

بالاخره مردم شریف بوکان باید بدانند که جریان اختلاف نماینده وقت با فرماندار چه بود؛ واقعیت این است، علتش این بود من اجازه نمی دادم که فرمانداری به پایگاه حامیان نماینده تبدیل شود، اجازه نمی دادم امتیازات در شهرستان فقط به حامیان نماینده داده شود و بقیه محروم بمانند، اجازه نمی دادم که مدیران منتسب به نماینده در شهرستان یک تازی کنند و فرماندار را دور بزنند، اعتقاد داشتم که فرمانداری باید مستقل باشد و به وظیفه خود عمل کند، عزل و نصب

ها نه بر اساس میزان وابستگی بلکه بر اساس شایستگی باید باشد. شاید به مرور زمان و آنچه که امروز مردم شاهد آن هستند بر عملکرد درست بنده صحنه بگذارد. بالاخره زمان انتخابات فرا رسید و در اسفند ماه ۸۶ انتخابات مجلس برگزار شد. آقای عثمانی به مجلس راه پیدا کرد و تا سال ۹۳ با هم با هماهنگی کامل کار کردیم. در سال ۸۸ پس از انتخابات ریاست جمهوری، چند روزی با هم اختلاف پیدا کردیم که با وساطت مقامات استانی و کشوری با هم آشتی کردیم. به صراحت به ایشان گفته بودم که با ایشان هماهنگ خواهم بود و تمام دستگاه ها نیز برای کمک به مردم و خدمات رسانی همکاری خواهند کرد ولی حق دخالت در کار فرماندار از جمله عزل و نصب را ندارد؛ حتی اگر شخصی را جهت تصدی ادارات مدنظرشان است، پیشنهاد بدهد و بنده در صورت صلاحدید منصوب خواهم کرد. یکی دوبار مدیران کل بدون هماهنگی با من افرادی را که ایشان معرفی کرده بود، می خواستند معرفی کنند که پس از اطلاع از موضوع حتی اجازه ورود به داخل شهر را به مدیران کل هم ندادم و آن ها را در مسیر بوکان به ارومیه برگرداندم. با این که آقای عثمانی ناراحت شدند ولی انصافاً به روی خود نیاوردند. با انتخاب آقای روحانی و انتصاب استاندار جدید، هم به ایشان و هم به آقای عثمانی عرض کردم که جایگزین برای من معرفی شود. آقای عثمانی پیشنهاد مدیر کلی میراث فرهنگی را دادند و از من خواستند دیداری هم با وزیر محترم کشور داشته باشیم تا شاید پست جدید به من واگذار نماید اما من نپذیرفتم و عرض کردم در دولت غیرهمسو مسئولیت نمی پذیرم و ایشان در خصوص معرفی آقای خسروی با من مشورت کردند؛ سرانجام در ۵ خرداد ۹۳ پس از ۸ سال ۵ ماه بنده تودیع و آقای خسروی جایگزین من شدند. در جلسه معارفه، رخداد غیر قابل پیش بینی به وقوع پیوست؛ همان روز و بعد از آن آقای عثمانی مطالبی در مورد من مطرح کردند. حال چون ایشان اخیراً طی اطلاعیه ای رسماً اعتراف کردند که در حق من ظلم کرده و عذرخواهی و طلب بخشش کردند، اخلاق اسلامی ایجاب می نماید که دیگر بحثی در خصوص گذشته نداشته باشم و از اینکه به خطای خود اعتراف کرده و عذرخواهی کرده، از ایشان تشکر می کنم. انتظار دارم آقای حبیب زاده نیز به خاطر جفایی که در حق من کردند، عذر خواهی نمایند؛ بی شک اگر عذرخواهی نکنند، رک و صریح مسائل پشت پرده را به اطلاع مردم فرهیخته بوکان خواهم رساند. امیدوارم آقای حبیب زاده از این فرصت استفاده و عذرخواهی نماید.

# «ملک شاه»، شعر و شهر

صلاح الدین خدیو



جلال ملکشا یکی از محبوب ترین شاعران کرد دهه های اخیر، در قیاس با غول های ادبی سلف خویش، پیوند استوارتری با "شهر" به مثابه یک مفهوم کلیدی زندگی اجتماعی داشت. جهان بینی شهری ملکشا، از تجربیات سیاسی و اجتماعی منحصر بفرد او ناشی می شد، تغییرات سریع نرخ شهرنشینی در کردستان در دهه های اخیر و تحولات فرهنگی و اجتماعی ناشی از آن هم، محرکی مهم بود. شهر در شعر ملکشا همزمان ملغمه ای از عشق، تنفر، تعلق، همذات پنداری و بی تفاوتی بود. بازتابی از زندگی و رنج و بیم و امیدهای شاعر در شهری که به بخشی از هویت فردی و جمعی وی تبدیل شده بود و بادبان نیروی زندگی شهری که زورق شکسته حیات بیولوژیکش را پیش می راند.

بیان تغزلی شاعر شوریده در این شعر راوی رنج و حرمان او و تنهاییش در شهری است که لریز از اغیار است و

سیمایی آشنا در آن می یابد. می خواهم از این شهر سفر کنم رخت ببندم و از عالم حذر کنم با فریاد دل و باران دیده مردم را از غم خود باخبر کنم رفیقانم قبیله پیمان شکنند بگذار از دیدارشان رم کنم عقاب آشیانم نه کبک اسیر قفس بروم و رو به کوه و کمر کنم همه اغیارند و من تک و تنها بهر دیدار آشنا به کجا نظر کنم دیده ام نابینا بامداد روشنم تاریک اگر دگر بار از این شهر گذر کنم سرزمین مرگ و گور عشاق است بروم و از خود رفع خطر کنم

در شعری دیگر گرچه از در مهربانی با شهر مالوف درآمده اما در جستجوی غمگسار، شاکي و نالان است. شاعر شمع انجمن شهر و و شعرش ورد زبان همنالان است، اما کسی حال او را نمی پرسد:

شعرهایم گل شدند و دختران شهر آنها را دسته دسته به میعادگاه های عاشقانه بردند. اما هرگز دختری نیامد

بگوید جلال!

تو خودت چرا اینقدر غمگینی؟

اگر از سالهای زندان و دوره های کوتاه مدت اقامت شاعر در خارج بگذریم، بیشتر تجربه زیسته وی در دو شهر سنندج و ارومیه شکل گرفته است.

سه سال قبل هنگامی که رفاندوم اقلیم کردستان ناکام ماند و نیروهای عراقی بار دیگر وارد کرکوک شدند، شعر معروف ملکشا به مانشت تبدیل و شاعران کرد ایران با انذار و نهیب شاعر پیر و بیمار را خطاب قرار دادند. "جلال نگذار کاوه راهی سلیمانیه شود/ هوای شهر مسموم است/ باد خیانت می وزد و خودفروشان در کوی می فروشان پرسه می زنند."

این ابیات و مضامین مشابه، ترجیع بند شعر شاعران متعددی در کردستان ایران شد که فکر می کردند اتحادیه میهنی کردستان و جریانات سیاسی سلیمانیه مسئول شکست رفاندوم و خائن به آرمان تاریخی کردها هستند. در چشم بهم زدنی سلیمانیه از شهر مبارزان به شهر خائنان تبدیل شده بود.

از واکنش ملکشا که منادای شاعران شده بود، خبری نیست، همچنانکه نمی توان ارزیابی دقیقی از مدعایشان هم بدست داد: آیا مقهور پروپاگاندای سیاسی شده بودند یا موضعی درست و اخلاقی گرفتند؟

هرچه باشد شعر جلال دوباره به صحنه آمد و مواجهه ای متفاوت رقم زد و تضادهای جدیدی مطرح کرد. آخرین مواجهه شاعر با شهر را مرگش رقم زد. هنگامی که پیکر نغمه خوان آزادی، خاموش و بردبار در دامن آن به خواب ابدی فرورفت.

در این گیر و دارها یکی دو بار به به قصد ماندن به اربیل رفت، سریع ترین شهر کردستان که پس از سقوط صدام به متروپولی دیدنی تبدیل و انباشته از کالا و سرمایه، شاعر در جستجوی "روح کردی" بود، اما هر بار این شیخ غریبانی بود که بر سرش آوار می شد. "آه، روزی خواهد رسید که پسرم کاوه! رخت سفر بر دوش، دلال های گاراژ مسافربری سنندج جار بزنند: سلیمانیه! سلیمانیه!"

این معروفترین شعر ملکشا آشکارا در تقلاي آوردن روشنی به شهر و "غریبه زدایی" از آن است. سنندج و سلیمانیه دو دل داده دورافتاده هستند که در آتش وصال می سوزند.

زمانی که جلال این شعر را سرود، حاکمی جبار بر بغداد حکومت و برقراری ارتباط جاده ای و هوایی میان دو شهر کرد در دو سوی مرز آرزویی دست نیافتنی در حد سفر به مریخ بود.

دست تقدیر اما خیلی زودتر از آنچه شاعر برآورد می کرد، در یک چشم بهم زدن حاجتش را برآورده کرد.

صدام سقوط کرد و جلوی ترمینال مسافربری سنندج از انبوه رانندگانی انباشته شد که رهگذران را به سفر سلیمانیه می خواندند. اما ظاهرا برآورده شدن خلق الساعه رویای قدیمی هم، شعر و شهر را با هم آشتی نداد.

سنندج زادگاه شاعر و شهر هنر و آواز و شیدایی، طبع لطیف شاعر را با ترانه های موزون به خروش می آورد و در باغ بهشت ادب را به رویش می گشاید. طرفه اینجاست که ملکشا متقدم در سنندج دهه پنجاه، فارسی گوی هست و این ارومیه است که میزبان وصال شاعرانگی و زبان مادریش شده و قابله خلق شاهکارهایش می شود. جلال سنندج پارسی گو بود، اما در ارومیه کردی گو شد.

حیات ادبی و فرهنگی ارومیه در دهه های شصت و هفتاد با داشتن یک مرکز نشر معتبر آثار کردی و مجله به یادماندنی سروه زاینده تر از سنندج بود که هنوز به عهد شکوفایی و افتتاح دهه های آتی نرسیده بود.

مرکزیت ارومیه در دوران یاد شده البته بیشتر حاصل پویایی فرهنگی مهاباد و مکریان در دهه های ماضی بود. جلال البته پس از اقامتی نسبتا طولانی در سالهای سروه در ارومیه، در دهه هشتاد باز رحل اقامت در آن افکند. زمانی که کوشش های ادبی به سنندج منتقل شده بود، اما چشمه های جدیدی زبان و ادب کرمانجی در آن حال جوشش بود و طبع شوریده شاعر را به نوشتن و نیوشیدن فرا می خواند. شوربختانه شهر اینبار به اندازه گذشته بردبار نبود و مهمانی شاعر خسته هم به دولت مستعجل تبدیل شد.

## عەرەبى شەمۆ؛ باوكى رۆمانى كوردى



«عەرەب» كورى «شەمۆ شاميلوڧ» لە سالى (ز. ۱۸۹۷) لە ناوچەى «قارس» ى بىندەستى دەسلەلاتى سۆڧىەتى پېشوو لەدايك بوو و سالى(۱۹۷۸.ز) لە «ئىرەوان» كۆچىدوايىيى كردوو. شەمۆ بەھۆى زانىنى چەندىن زمان، لە ئەرتهشى رىوسىا وەكوو وەرگىر دادەمەزرىت. پاش كۆتايىي شەرى جىھانى، دەبىتە خويىندكار لە زانكۆى «مۆسكۆ» و لەوئى لەسەر مژارى «كوردناسى» دەخويىنت و دەنووسىت. لەم سەررەبەندەدا، وىرپاى «مارگۆلۆڧ» دەست دەكات بە نووسىن و بلاوكرىدەھەى يەكەمىن «كتىبى كوردى بە پىتى لاتىن» لە جىھاندا. جىالەوانە، عەرەبى شەمۆ لە سالى ۱۹۳۵ يەكەمىن رۆمان لە مېژووئى ئەدەبى كوردىدا لەژىر ناوى «شوانى كورد» لە ئىرەوان بلاو دەكاتەو. ھەررەھا، چەندىن رۆمانى تر وەكوو «بەربانگ»، «ژيانا بەختەو»، «دەمدم»، «ھوپۆ» دەنووسىت و لەم بوارەو خزمەتتىكى گەورە بە ئەدەبىياتى مۆدېرنى كوردى بەگشتى و ئەدەبى داستانى بەتايبەتى دەكات. عەرەبى شەمۆ، جىالە نووسىنى رۆمان و چىرۆك، يەكئى بوو لە پېشەنگانى رۆژنامەنووسىيى كوردى لە ولاتانى بىندەستى سۆڧىەت و جىيەنجەى لە رۆژنامەى «رېياتازە» دا ديارە. جىالەو، شەمۆ خاوەنى چەندىن وتارە لەسەر كۆمەلگەى كوردى كە بەرچاوترىنيان كىتېبىكە بە ناوى «پىوھىدى دەره بەگى لەناو كورداندا»، بەدەر لەوانەش، ناوبراو دەستىكى بالاي لە وەرگىران و نووسىنى وتاردا ھەبوو و پەنجەشى بۆ نووسىنى «شانۆنامە» ش درىژ كردوو كە لەو بارەو دەكرى ئاماژە بە شانۆى «كوردانى ئەرەبەنستان» بكرى. بەرھەمەكانى عەرەبى شەمۆ لە دوو سەررەو خاوەن گرنگى تايبەتن، كە يەكيان گرنگى مېژووئى كارەكانىتى و شەمۆ وەك پېشەنگىكى ئەدەبى گىرانەوھەى مۆدېرنى كوردى خاوەن جىگەو پىگەيەكى سەرنجراكىشە. ئەوھەى ترىان، ئاوپتەبوونى بەرھەمەكانى ئەو بە كەلتوور و مېژوو و ئەدەبى كوردانى ئەرەبەنستان و رىوسىا كە ئەمەش دەتوانىت سەرچاويەكى باش بىت بۆ ناسىن و تووژىنەو لەسەر كوردانى ئەو مەلەندە. تاوھكوو ئىستا تەنيا يەك بەرھەمى عەرەبى شەمۆ ھاتوو تە سەر سۆرانى كە ئەو پىش برىتە لە رۆمانى «دەمدم» كە لەلاپەن مامۆستا «شوكور مستەفاو» وەرگىردراو و مامۆستا «ھىمەن موكرىانى» پېشەكى بۆ نووسىو.

عەبدۆللا ھەمزە

## دە داھىنانى پشت گوئى خراوى ئەدىسون

وەرگىران و پەيجوويى: كەرىم پەھمانى

شك لەوھدا نىيە ئەگەر داھىنانەكانى تۆماس ئالوا ئەدىسون نەبوایە ئەو پۆكە شىوھى ژيانمان بە شىوھىكى دىكە دەبوو. ئەم داھىنەرە سەرى و بى ھاوتايە، بە داھىنانە ھەژەند و سەرى، يەك لە دواى يەكەكانى خوئى كە لە تاقىگای نىوجىرسى سەريان وەدەردەنا، ژىنى ئىمەى لە زۆر بارانەو گۆرى. ئەدىسون سالى ۱۸۴۷ز لە وەلايەتى ئۆھايو لە داىك بوو. يەكەم داھىنانى لە تەمەنى بىست و دوو سالىدا و دوا داھىنانىشى دوو سال پىش مردنى لە سالى ۱۹۳۳دا تۆمار كرد. ئەم كاپرا بزۆزە لە درىژايى ژىنىدا ۱۰۹۳ داھىنانى لە ئەمرىكا و ۱۲۰۰ داھىنانىشى لە دىتر ولاتان تۆمار كرد. بە شىوھىكى مامناوھى ھەر بە دوو ھەوتوو دەزگايەكى نوئى داھىناو. داھىنانەكانى ئەدىسون لە ھەشت دەستەدا پۆلىن دەكرىن كە برىتىن لە باترىيەكان - گۆپ (لامپ) - گرامافۆن (قەوان) - دەزگای تۆمارى دەنگ - سىمان (چىمەنتوو) - پەيدۆزى كانەكان - وئىنەگەلى بزۆز (تصاوير متحرک) - تىلگراف و تەلەفوون. كە لە تىو واندا وئىنەى بزۆز و گۆپ و گرامافۆن لە ھەموان بە نامىيەترن. داھىنانە پشت گوئى خراوھەكانى ئەدىسون ۱. دەزگای كارەبايى تۆمارى دەنگدان: لە تەمەنى بىست و دوو سالىدا كە بە ناو ئوپەراتۆرى تىلگراف خەرىكى كار بوو، ئەم دەزگايەى داھىنا و تۆمار كرد. ئارمانجى لەم كارە جوئى كردنەوھەى دەنگى "بەلئى" و "نا" ى كونگرەى ئەمرىكا بوو كە بزاردن و جىاكرىدەھەى دەنگەكانى خىراتر دەكرد. كونگرىس بە بيانوى ئەوھى رىگرى لە مشت و مرى ئەندامانى كونگرە دەكا دەزگايەى نەووست و دەزگای ئەدىسونى بىست و دوو سالە، بە گۆرستانى سىياسەت سپىردرا. ۲ - قەلەمى گەلەلەرىژى نوئىنەك (الگو): ئەم دەزگايەى لە سالى ۱۸۷۶ داھىنا كە بە بابى پىنووسى خالكوئىنى ئەو پۆوى دەژمىردى. يەكەم كەرسە بوو كە دەيتوانى لە بەلگەنامەكان كۆپى و پوونوس ھەلگرىتەو. ۳ - دەزگای جوئى كەرسەوھەى مىگنايسى كانى ئاسن: ئەدىسون ئەم دەزگايەى بە مەبەستى جىاكرىدەھەى ئاسن لە نااسنەكانى بەردى ئاسن داھىنا. ئەو كارەى بە پارمەتى ئاسن رڧىن (آھن ربا) دەكرد. ھەرزانى ئاسن بووھۆى مایەپووجى ئەدىسون و وەلانانى دەزگايە.

۵ - كونتۆرى كارەبا: كاتى كارەبا بە مالان درا كىشەى ئەو ھەبوو چلۆن رادەى كەلەك وەرگرتى ھەر مالى بزائن. ئەدىسون بە داھىنانى كونتۆر ئەوگرتەى چارە كرد بەلام بە ھۆى ئاستەنگى خويىندەھەى ئەو جوورە كونتۆر داھىنانەكە وەلانرا. ۶ - ئوتومبىلى كارەبايى: لە سالى ۱۸۹۹ دەستى بە چىكردى باترى قىلپايى كە دەيتوانى شارژ و پىر كرىتەو، كرد. باترىيەكان ھەتا مەوداى ۱۵۰ كىلۆمىتر پريان دەكرد. ھەرزانى بىزىن لەو سەررەوھەدا خوئى فەرامۆشى بەسەر ئەم داھىنانەشدا كرد. ۷ - دىتەوھەى رىگە چارەى خراپ بوونى ميوھ: ئەدىسون ميوھەكانى دەكردە ناو قوتووبەكەو و پاشان ھەواكەى خالى دەكرد. چونكى ميوھەكان ھەوايان لىنەدەكەوت پتر دەمانەو و درەنگتر خرا دەبوون. ئەم داھىنانەى لە سالى ۱۸۸۱ تۆمار كرد. ۷ - خانووى بىتۆنى: ئەدىسون كە چىمەنتووى داھىناو لە سالى ۱۹۱۷ دا خانووى ئامادە بە قالى بىتۆنى بۆ مالا ھەژارەكان ساز كرد ئەم مالانە نارىك و ناھەز بوون ئەدىسون داھىنەرېكى لىھاتوو بوو بەلام مئعمار و گەلەلەرىژىكى ناشارەزا بوو بۆيە داھىنانەكەى وەلا نرا. ۸ - موبلى بىتۆنى: ئەدىسون بىرى كرىدەو كە خەلك كۆلى دراڧ بۆ موبل و تەخت تەرخان دەكەن پاشان خرا دەبى، دەشكى، دەخورىتەو، لە ھاتوچۆدا شل دەبىتەو. ھات موبل و تەخت و... بىتۆنى ساز كرد. ئەدىسون بىرى لەوھ نەكردبۆو كە خەلك دواى سالى يان دوو و... سال دەشى دىكۆرەكان بگۆرن ئەم گەلەلەشى تەنيا لە بەرپۆبەرى تۆمار مایەو و كرىدەيى نەكرا. ۹ - بووكەلەى يان وەويلەى وتەبىژ: گرامافوون كە خوئى داھىناو، ھات قەوانى چووكەى لە ناو بووكەلەكەدا دانا ئەمجار بە ھەلكردى گرامافوونەكە وەويلە دەنگى لىوھ دەھات. خەش و نا پوونى دەنگەكە بوو ھۆى پشت گوئى خرانى ئەم داھىنانە. ۱۰ - تەلەفوونى پىوھىدى لەگەل رۆحى مردوان: لە سالى ۱۹۲۰ ئەم دەنگۆيە داكەوت كە ئەدىسون وەھا دەزگايەك ساز دەكا چەند جارىش دەگەل رۆژنامەكان لەوبارەو دوا. ھەتا دواھەناسەى كەس وەھا دەزگايەكى لئ نەدى تەنيا باس و خواسەكەى لە راگەيەنەكانەو بوو. ژىدەر :گۆوارەكانى دانشمەند و ماشىن

# "ژان"

محمد رشید افخمی

هاوکار خړه پیاوړکی سهرماش و برنجی بوو قسه خوښ و دهم به پی کهنین له ههموو وهرزه کانی سالدا جل و بهرگی کوردی له بهر ده کرد. ماوهیهک بوو زانکووی ته و او کربوو. به هوئی نه بوونی کار کتیب فرۆشی دانابوو دووکانه کهی له شه قامی چاره نووس گوزهری چوار پوینت پازده هلکه وتبوو. ههموو جاریک دهیکوت: خه لکی هم گوزهره م خوښ دهوی به لام نه فره تم، له تابلوی هم شه قام و گوزهره یه! خه لکاتیکی زور هاتوو چوی دووکانه کهیان ده کرد زوربه یی نه و کتیبانه یی له ژیر چاپ دهاتنه ده ری، ده یخویندنه وه. کورته به کی بو کپاره کان باس ده کرد. کتیب فرۆشیه کهی بیستانیکی رازاوه بوو فلهسه فه ته رزی فری دا بوو و ده یان مه کتبه بی لی بوو، کتیبه میژوو یه کان هینده یان زولم و زور له خویان دا حه شار دابوو، زووخاو له دلپان ده تکا. په رتوو که نه ده بیه کان بوئی گوله باخ و شه و بوئیان ناویتیته ی دووکانه کهی ده کرد.

هاوکار ماوهیه کی زور سهرقالی درووست کردنی خانوو به ره بوو. له نه و ماوهیه دا بیستان و گولستانه کهی بی ناز که وتبوون. قولی هه لپالی نه و ته پ و توژی له نه و ماوهیه دا له سهریان نیشتبوو، ته کاندی پتکو پیک کی کردن و له جیکای خویانی داده نانه وه. چنند کتیبیک که وتبوونه خواره وه، له به ینی دیواره که و کتیبه کانی تر دا گیران کربوو. زور شپزه ببوون، ده ری هیان، لاپه ره کانیانی خسته وه جیکای خوی. یه کیک له نه و کتیبانه نیوی سوهراب بوو. به خه تیک کی خوښ لیی نووسرابوو (بو تو). ماوهیه کی زور بوو لیی ون ببوو و به شوپنی دا ده گه را. به دینته وه ی زور خوښ حال بوو دهیکوت هم کتیب و نووسراوه کهی وه که چه خماخهی هه و ره برووسکه یه کی به هیژ وایه ، هیمای عه شقی له نیوی مالی تاریک و تنوکی دلندا وه ده رخست!!! به هیوری ده کی دووکانه کهی پیوه دا. کورسیه کهی هیئا و هه ره له وی دانیشته. کتیبه کهی ته کاند و سړی. لاپه ره کانی ریک و پیک کرد. له گه ل هم کاره بیره وه یه کان هوژرمیان بو میښکی هیئا شه و پکی ساردی زستان بوو نازدار له گه ل بنه مال کهی هاتووون بو مالی هاوکار هه موو گهرمی قسه بوون دوا ی ماوهیه ک نازدار نیونی له هاوکار وه رگرت چوه سهر کتیب خانه که زور به وردی سهرنجی خستبووه سهرکتیبه کان کتیبه کهی سوهرابی ده ره پنا زوری لی خویندنه به ناز پکی دولبه رانه وه رووی کرده هاوکار و کوتی: نه تو کتیبی گولی سووری سوهرابت نییه؟ : نا به داخه وه له گه ل بزه یه ک کوتی

من ههمه! کورسیه کهی هیئا ده ری و دانیشته پرچه ره ش و قه ترانه کهی هه لداوه و خسته یی ژیر له چه که که سکه کهی. شه به قی رنووی کولمه ی له ژیر پرچی ره ش و سهدان جوانی تر ده مووچاوی کربوو به چاره گول. هاوکار هه سستی کرد نازدار ده پراوتیته نه و شه رمیونانه سهری هه لپنا تیشکی نیگیان تیکه ل بوو بزه یه ک مرواری ددانه کانی وه ده رخست، بزه یه ک هاته سهر لیوی، چه پی گنجیک کی تیکه وت! نه وه له کاتیک دا بوو بریقه یی جه غزی چاوه پر له غمزه و نازه کانی نازدار شه ش دانگی بیر و هوښی داگیر کربوو کوتی فهرموون باسی کتیبی گولی سوورم بو بکه ن به ده نکیک کی نه رم و نیان ده سستی پیکرد. قسه کانی زنه ی کانیو و خرمه ی باران بوون و بوئی به هاریان ده دا. بیینی روخساری هه وینی سهدان تو مید بوو، تابلوی ژپانیک کی پر له به خته وه ری ده نه خشانند. له و کاته دا زهری ته له فونه که هات، کاروان راچه نی هه لی گرت ره شه ی ناموزای بوو. به ده نکیک کی پر له په روښیه وه کوتی له ریکای میانداو ماشینیکی باره لگر له قه برغه وه خوی کیشا به ماشینه که مدا. : که س هیچی لی نه هاتوو؟ : نانا شکور بو یه پیوه ندیم پیوه گرتی نه ورو درهنگ دیمه وه کوم به مالی بلپی کارم بو هاتوه ته پیش. له نیوان قسه کانی دا که سیک هاته ژووری، به لام له بهر گرفته کهی کاروان ناگای نه کرد. قسه کانی له گه ل کاروان ته و او بوو، سهری هه لپنا بو چنند چرکه یه ک تاسا به سهر سوپرمانه وه له و خاتوو نه ی روانی، به سهر سلوی کرد بمووره ناغای نه حمدی؟ : به لی فهرموو : وادپاره له کاتیک کی زور نه گونجاودا هاتووم : نه خیر فهرموون. به خیر پین . من خاترم خوشکی که ژال هاتووم بو کتیبه کان. : نه ها به لی چنند روژ له وه پیش فهرمووی نه و کتیبانه مان له دووکان نه ماوه، بو م داناهه به ره و قه فه سه ی کتیبه کان چوو وه ک که سیک سهری لن شیوابن نه یده زانی چی ده کات و له چی ده گهری و بوچی ده گهری، نه و خاتوو نه هاته دهنگ و کوتی: بو کتیبه کان ده گهرین؟ : به لی : نه وه تان له سهر میزه که دانراه : نای بیره وه یه تال و تفته کان چوون هوښتان لی برپوم : کام بیره وه ری؟ : نه و بیره وه ریانه نیستانه برینی کو نیان لی هیناومه ته وه ژان زور جار دینتی که سیک، کتیبیک و دیمه نیک ده بیته هو ی زیندوو کردنه وه ی بیره وه ری خوښ و ناخوښ

له میښکی مروف دا خاتره نیونی خواست چاو یک له کتیبه کانی نیو کتیب فرۆشیه که بکات. دوا ی ماوهیه ک کوتی کتیبی زور باش و به که لکت هه یه کاک هاوکار هاوکار: به لی هه ر کتیبیک له ژیر چاپ بیتنه ده ری ده یکرم بو دووکان : تیزم هه یه پرسم له زانکو چ ده خونی؟ : به لی قوتالی بواری کومه لناسیم : بز ی زور له بواریکی ده گمن و به که لکدا ده خونی، کتیبه کانی کومه لایه تیم له بهر په نجه ره که نهومی سهری دا هه ل چنیون سهر که ن : به لی ته و او ی نووسره به ناو بانگه کانی تیدایه نیچه، فرانتس، فانوون ... کتیبیک کی هه ل گرت و کوتی : لام وایه نه م کتیبه تازه هاتوو؟ هاوکار: به لی کانت هه یه کورته یه کت بو پاس بکه م؟ : به لی تکایه فهرموون زورم پیخوښ ده بی! هاوکار هه لبت من هه رکه س کتیبم لی بکری کورته باسیک له سهر ناوه روکی کتیبه ده که م به لام له بهر که ژال خاتوونیش بی نیوه جیاوازن! کتیبه کهی هه لگرت و ده سستی پیکرد «سالانیکه نه م چیروکه پر له تیش و ژانه بو خوم و له بهر خومه وه ده لیمه وه. ماوهیه ک بوو له دلپادبووم نیستا له سهری داوم! نازانم گوپی زه مان و میژوو قورس بووه یا خنراه و ا هه ست به نه م هه موو برک و ژانه ناکات. ده نا کت هه یه له نیو نه م مروفه خاموښ و بی دهنگانه دا جه وری زوردار و زپردار ژپانی لی تال نه کرببی ده رونی نه رووشاند بی و که سایه تیپان زام دار نه کرببی. نه م ناپوره بی دهنگه بینهری سهدان سووکایه تی و پیشیل بوونه، به لام هه ر رق و تووره بیه کانیان ده خونه و وه ک شه پولی ده ریایه کی تووره و توسن سهر ده کوته که ناره کانی خویان جهسته و ده روونیان پر له تیش و نازاره، به لام بی دهنگ و خاموشن. لام وایه ده بی میژوو سهر له نو ی بنووسریته وه تا خه و له چاوی نه وانه بز پینیت که بناغه ی شوکو مه ز نابه تیپان تیک داوه. تا چی دی نه م مروفانه به نازاری نه گه یشتن به هیوا و هو مید نه تلینه وه. ده بی میژوو بنووسیت نه داری و هه ژاری ژپانی پر له خوژگه و بریای نه م خه لکه نابنی پینه یی چاره نووسی به سهدا بدووردی.» به راستی کتیبیک کی به که لکه نه توښ زور به وردی و به تام و چیژ باس ت کرد نه دی نه م نووسراوه یه نووسره که ی کتیبه که ده توانی ناوا بیر و هوښی مروف داگیر بکات! : به لی کتیبیک کی به نرخه، هه ر کات بته هو ی پیشکه وتووتر له خه لکانی تر بی نابنی هه ر نه و کتیبانه بخوینیه وه که نه وان ده یخوینیه وه.

دوا ی باسیکی زور کتیبه کانی خوی هه لگرت و نیونی خواست و رویشته. چنند روژ گوزه رابوو هاوکار وه ک کاس ده چوو به رده وام بیری ده رویشته . ته و او ی گیانی تیش و نازار دایگرتوو . له و ماوهیه دا کتیبی نه ده خویندنه وه هه ر ده هاته دووکان داده نیشته و چاوی له توپه کومه لایه تیکان ده کرد له گه ل ده ر و جیرانی دوکان قسه ی نه ده کرد. روژ پیک پیش قاوتوون ته له فونه که زهنگی لینداو هه لیگرت، ده نکیک کی نه رم و نیان کوتی: سه لام ناغای نه حمه دی : سه لام به لی : من خاترم خوشکی که ژال نه ی هیشت وته کهی ته و او بکات کوتی: به لی فهرموون، له گه ل هم دپره نازدار و بیره وه ری کانی دیسان سهریان هه لدا یه وه : به شی دووه می نه م کتیبه تان هه یه. : به لی هه مانه : کاتز میر ۵ ده توانم بیم لیتان وه رگرم؟ : به لی وه ره بو ت داده نیم خودا حافیزی کرد و گووشیه کهی دانا له گه ل نه و قسانه ته و او ی بیره وه ریه خوښ و ناخوښه کان هه روژرمیان بو سهری هیئا بوو کاته کان تیپه ر نه ده بوون. له بهر خو یه وه ده یکوت: نیستاش من نازانم کاتز میر کوا ده توانی پیوانه بیت بو ساته کانی چاوه روانی؟! هه رچوون بوو ساته کانی چاوه روانی تپه ر بوو کاتزیر ۵، خاتره هات، له دووره وه که دیتی دله کوتی ده سستی پیکرد، سه لامی کرد. دوا ی چاک و چونی به شی دووه می کتیبه کهی دا ده سستی. : نه ری ناموزاکه ت چونه، نه و روژه زوری په روښ کربوو ی : نه و چاکه به لام بوخوم زور خراپم. به پیکه نیپیک کی دولبه رانه وه کوتی: جا بو خو ت بو؟! : هه ر لیم مه پرسه؟ : خودا نه کا له کاتیک کی خراپ دا وه ختم گرتوی؟ بمووره. : نانا و ما فهرموون کاته کهی زور گونجاوه به لام : به لام چی؟ نه و کتیبانه بیره وه ری زانکو یان تیدا زیندوو کربیه وه؟ و ا په روښ بووی هاوکار: نه من بیره وه ری کانی زانکو و کاتی لاویم تیدا چوون. ده ی ویست درپه به قسه کانی بدا به لام زیاده له هه موو روژه کان له وکات و ساتانه دا مشته ری دابارین و هاوکار له گه ل نه وان قسه ی ده کرد خاتره چاوی له کتیبه کان ده کرد هاوکار هات و دا وای لن بواردنی کرد. له و کاته دا موبایله کهی خاتره زهنگی خوارد چاوی لیکرد











# جامعه‌ی ما نیازمند یک نهضت سوادآموزی از نوع رسانه‌ای

سیاوش احمدی



رسانه واژه‌ای که امروزه زیاد می‌شنویم و بکار می‌بریم در ساده‌ترین معنایش به هر آنچه که از طریق محتوا پیامی را به مخاطب یا مخاطبانش برساند گفته می‌شود.

شاید وقتی کلمه سواد شنیده می‌شود بسیاری در ذهنشان توانایی یک فرد برای خواندن و نوشتن تداعی می‌شود حال ممکن است به دلیل کم توجهی متولیان امر و خود رسانه‌ها بخش زیادی از مردم هنگامی که اصطلاح "سواد رسانه‌ای" به گوششان برسد برای آن معنایی سطحی همچون برداشتشان از سواد که در بالا اشاره شد در نظر بگیرند. سواد رسانه‌ای مبحثی بسیار پر اهمیت بوده که از کودکان تا کهنسالان نیازمند آموزش دیدن و بالابردن سطح آن هستند. سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل یادگیری است که به توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل و ایجاد انواع پیام‌های رسانه‌ای اشاره دارد و یا به عبارت بهتر سواد رسانه‌ای همان استفاده صحیح از رسانه است.

در برخی کشورها همچون ایالات متحده سواد رسانه‌ای در مدارس آموزش داده می‌شود و حتی در کشوری چون کانادا جهت مقابله با تأثیرات آمریکا بر فرهنگ عامه مردم کشورشان بحث آموزش سواد رسانه‌ای از چندین دهه قبل آغاز شده است.

در ایران بصورت رسمی و یا آکادمیک اقدامی در جهت آموزش سواد رسانه‌ای صورت نمی‌گیرد و اگر قدم‌هایی هم برداشته شده است در حد برگزاری سمینار، چاپ بروشو، گنجانیدن فصلی مختصر در یکی از مقاطع تحصیلی، راه اندازی سایت و یا وبلاگی از طرف بخش خصوصی بوده است که به هیچ عنوان نیاز جامعه را تأمین نکرده است.

جهت نشان دادن عمق کمبود سواد رسانه‌ای بخش عظیمی از مردم کفایت به نمونه‌هایی از پیام‌های دست‌به‌دست شده در شبکه‌های اجتماعی حاوی مضامین زیر دقت کرد: درمان سرطان توسط یک

داروی گیاهی، نظر پرفسور (... در مورد تاسی موی سر، برخورد شهاب سنگ با زمین در شب پنجم ماه، کاهش ده کیلو وزن در پنج روز، انفجار بزرگ در نیویورک آمریکا و... اینها تنها بخشی از مطالب اغراق آمیز و اغوا کننده و بیشتر بدون مبنای علمی هستند که بیشتر در شبکه‌های اجتماعی و گاهی حتی در شبکه‌های رسمی پخش شده و در جهت بهره‌های اقتصادی، سیاسی و مذهبی بکار گرفته می‌شوند.

این مثالها تنها قسمت ناچیزی از سو استفاده از کم سواد رسانه‌ای مردم توسط افراد سودجوست. اتاق‌های فکر پشت پرده غولهای رسانه‌ای بسیار هوشمندانه و برنامه ریزی تر شده و بر اساس اصول روانشناسی هوش و حواس مردم را به سمت خود جلب می‌کنند.

چنین قدرتهای آشکار و نهانی هیپنوتیزم وار از طریق تبلیغات مستقیم در رسانه‌ها و یا به صورت غیر مستقیم از طریق سینما و ستارگان، ورزش و قهرمانانش، شبکه‌های اجتماعی و اینفلوئنسرها، کالایی را به مبلمان خانه‌ها اضافه کرده، یا جنسی را به عنوان مد روز همراه اکثریت جوامع خواهند کرد. گردانندگان رسانه‌های مرجع با استفاده از تمام فنون روانشناسی با کوچک و بزرگ کردن موضوعات و اشخاص، با ایجاد تناقضات و همسو سازی برای مردم عامه حتی فکر

تولید می‌کنند. در واقع این رسانه‌ها هستند که تعیین می‌کنند فردا مردم کوچه و بازار در مورد قیمت بنزین صحبت کنند یا مرگ یک شخصیت بزرگ هنری یا نمایش زیبایی یک میمون در یکی از روستاهای کشوری آفریقای.

غولهای رسانه‌ای گاهی حتی رسانه‌های کوچک را نیز از طریق خوراک خیری همراه خود کرده و با خود می‌گردانند. این رسانه‌ها با تکنیک‌های خاص خود میتوانند ارزش‌ها را به ضد ارزش، شخصیت‌های منفور را به قهرمان و محبوبها را مقهور گردانند.

آنها از طریق بازی‌های ویدئویی، فیلم و انیمیشن‌ها از همین امروز افکار، باورها و قهرمانان مورد نظر خود را به ذهن فرزندان ما تحمیل کرده تا در آینده بدون صرف هزینه فکرایشان را در تسخیر خود داشته باشند. غول رسانه‌ای منظور شخص، حکومت و قدرت منحصر بفرد و خاصی نیست بلکه در تمام دنیا رقابت بین غول‌های رسانه‌ای وجود دارد و گاهی یک رسانه مستقر در یک کشور فراتر از ایدئولوژی‌های حاکم بر آن کشور و حکومتش قدم نهاده و فعالیت می‌کند.

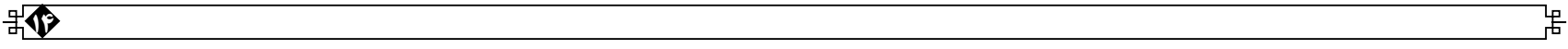
به نظر می‌رسد اگر قدرت رسانه‌ها و منافع گردانندگانشان در خطر نیافتاد آموزش سواد رسانه‌ای یکی

از بحث‌های داغ و همیشگی آنها بود.

جدا از آموزش از طریق خود رسانه‌ها، اضافه کردن واحد‌های درسی در سیستم آموزشی در مقاطع پایین تحصیلی جهت بالا بردن مهارت و سواد افراد در مواجهه با رسانه‌ها آنهم در عصر انفجار اطلاعات از بدیهاتی است که از سوی سیاستمداران کمتر به آن توجه شده است.

امروزه به تسخیر درآوردن ملت‌ها تنها از طریق جنگ تسلیحاتی صورت نمی‌گیرد و شاید جنگ رسانه‌ای بین قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بیشتر از رقابت‌های تسلیحاتی مورد توجه قرار قرار می‌گیرد.

شناخت رسانه‌ها، گردانندگان، افکار آنها و منابع تأمین مالی‌شان، آشنایی با تکنیک‌های تشخیص اطلاعات صحیح از غلط، آشنایی با طیف‌های گوناگون سیاسی و ترفندهای رسانه‌ای جهت القای اهدافشان، تشخیص رسانه‌های فیک از منابع معتبر، توانایی تجزیه و تحلیل داده‌های منتشره از رسانه‌ها بخش کوچکی از گام‌های لازم جهت بالابردن سواد رسانه‌ای است که به نظر می‌رسد برای تحقق آن در جامعه‌ی ما به یک نهضت سوادآموزی از نوع رسانه‌ای نیاز باشد.



## جدول کوردی

## ناماده کردنی کهریم په‌حمانی

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
						#								۱
				#					#					۲
			#							#				۳
				#				#			#			۴
		#					#					#		۵
	#					#					#			۶
			#						#				#	۷
				#						#				۸
#		#			#						#			۹
			#					#				#		۱۰
	#						#						#	۱۱
		#						#						۱۲
			#							#				۱۳
				#							#			۱۴
					#							#		۱۵

- ئاستوونی**
- ۱- هۆزیکێ کورد له ناوچهی خۆی و سه‌لماس - په‌تای سه‌ره‌تان.
  - ۲- مانگ - ناویکی زیتی کورانه ئالۆزکاو.
  - ۳- شاریکی نزیك ورمس - "میراث" به کوردی - خاپوور.
  - ۴- که‌لینی قوول و هه‌راو - بۆن - گوم مه‌فسه‌لی ئسک.
  - ۵- ئیوه - مندال - ته‌وه‌ری ژیر به‌رداش.
  - ۶- سه‌بوو - مه‌ی - ته‌ندازه.
  - ۷- ده‌نگدانی بز - "لبنیات" به کوردی "انتقام" به کوردی.
  - ۸- جه‌نده‌ک - تام کردن - گه‌وره‌ شاریکی باکووری کوردستان.
  - ۹- هه‌ست - تالی چنن - قاره‌مانی کليلة و دمنه .
  - ۱۰- پۆشتم - دایکی باران - ربه‌ری هه‌له‌په‌رکی.
  - ۱۱- هه‌لووکتینی پیده‌که‌ن - زپری ره‌ش ئیبه.
  - ۱۲- ته‌نگۆ - که‌ر - قاچ - هاووه‌ش.
  - ۱۳- حه‌قی ناحه‌قی پینج زله‌پزه‌که سالۆن - پيشگرپکه - نه‌ولا.
  - ۱۴- چيشگرتیکی کوردی - ناویکی کورانه لیره‌واری چغوور.
  - ۱۵- ناوچه‌یه‌کی پارێزگای سنه و کرماشان و هه‌له‌بجه - شاعیریکی بۆکانی.
- ئاستوونی**
- ۱- ناوچه‌یه‌کی سه‌ر به‌شنۆ "سراپده" به کوردی
  - ۲- پردی له‌گیا و برکه‌ میو دروستکراوی هه‌ورامان - شاعیری "مه‌م و زین" - ئیوه‌پاستی چۆم.
  - ۳- "پر" نیبه - ئاخ‌ر مانگی سال - تۆم
  - ۴- له‌و، ئه‌را - گوانداری زه‌لام که‌ خه‌وی زستانه‌ی هه‌یه - ده‌نگ دانی په‌ز "خه‌میر"ی کوردی.
  - ۵- ئامیریکی موسیقا که‌ به‌دم ئیده‌دری داو - پاتشا.
  - ۶- "تو" به‌ئینگلیسی - پر له‌پی ده‌ست قامیکی ناوچه‌ی کرماشان و ئیلام.
  - ۷- ده‌نگی رووخانی دیوار - داستان به‌م جۆره.
  - ۸- قابیل، شایسته - ده‌ره‌وه‌ست نه‌قشه‌ی ماڵ.
  - ۹- تا، ته‌و - شوخی - گوندیکی به‌ناوبانگ له‌ په‌نا زریبار
  - ۱۰- سووره‌ی یازده‌ی قۆرغان فه‌یله‌سووفی ئالمانی نووسه‌ری "وه‌های گوت زه‌رتوش" - کانزای zn.
  - ۱۱- بانگ کردنی پشيله - ئامانج گیاه‌کی کوپستانی که‌ بۆ دوکولیو ده‌بن.
  - ۱۲- "فیرکار" به‌کرمانجی - "دۆم"ی سه‌ره‌پراو - په‌له‌پیتکه - که‌مه‌ترین ده‌نگ.
  - ۱۳- پيش، به‌رۆ - زاراوه‌ی کوردی کرماشان - پسق.
  - ۱۴- "کرباس"ی کوردی - ئاواز - تریی هه‌له‌گیراو بۆ زستان.
  - ۱۵- ولایتیکی ئورووپایی - هونه‌ری نه‌قشای و ....

**شهر کتاب بوکان**  
 ارائه انواع کتاب در زمینه های مختلف  
 شهر کتاب بوکان ۰۹۱۴۳۸۲۲۱۳۹  
 آدرس کانال شهر کتاب بوکان:  
**@shahreketabbokan**

**افقی**

- ۱- محوطه باستانی در ۱۵ کیلومتری جنوب‌شرقی شهر شوش-بزرگترین بندر ایران
- ۲- لاجق‌گاز-خدا-شراب-کچ‌ومعوج
- ۳- سایه-ارث‌برنده-رها-همراه‌نیمکت
- ۴- قیلم‌رامبد جوان-بی‌بندوبار-حرف‌خطاب
- ۵- ضد‌شر-واحدی برای کباب- پایتخت سابق مراکش
- ۶- عنباید به‌دست ناشی داد- اندکی و مقدار کم- استان سردسیر کشورمان
- ۷- حرکت گرم‌گونه- ابوالبشر-برودت- کجاست
- ۸- نام طایفه‌ای بزرگ از ترکستان- از بزرگترین شهرهای آمریکا
- ۹- خدای سنگی- سرور و فرمانده- استخوان
- ۱۰- بزرگترین جزیره ایران و از مناطق گردش پذیر در ایام عید
- ۱۱- جزیره- نوعی برنج شمال- گشوده
- ۱۲- تکیه کلام لاقزن- حیوان لوله‌ای!
- ۱۳- پاریس عاشقش بود
- ۱۴- خمیدگی کاغذ- تردستی- سرمربی پیکان تهران
- ۱۵- خودداری کردن- حرف فقدان- نوعی خورشید ایرانی- نوراندک
- ۱۶- قبل از ورزش- فلز سرچشمه- زیادوبیش- حرف انتخاب
- ۱۷- شهری در انگلیس- سیب‌زمینی سرشار از این ماده مغذی و ضروری برای بدن است

**عضو کانال تلگرامی پایگاه خبری بوکان پرس شود:**  
**@bookanpress**

۶- تیغه‌ماه- راهنمایی و رهبری- زن خالدار  
 ۷- وحشت- الفبای تلگراف- حرف همراه عربی- تصدیق ایتالیایی  
 ۸- گران و وزین- گذشته  
 ۹- طوبت- آب منجمد- افسانه- پشت سرهم  
 ۱۰- لامپ الکترونیکی- فضاپیمای اروپایی- مخلوط‌کن  
 ۱۱- صاحب منصب نظامی- عقل و ذکاوت  
 ۱۲- عمو- عضو زمینی آجیل- هزار عرب- تاب و توان  
 ۱۳- سوطن- دشنام- هنوز یقه نشده- پرستار  
 ۱۴- نژاد ما- عدد اول- نمایش تلویزیونی- شیخ نشینی در خلیج فارس  
 ۱۵- غذای شب عید- حرف افسوس

## به‌شیک له‌شیر و قسه‌خوشه‌کانی ماموستا حه‌قیقی و میوانه‌کانی



**علی حقیقی**

زه‌مانی زوو سه‌نه‌دی ملکیان له‌لای پیاوانی باوه‌پینکراو و ماقول داده‌ه‌نا. دایکی با‌م یه‌کیک له‌و که‌سانه بوو که‌سه‌نه‌دی ملکی خۆی پاش فه‌وتی شووه‌که‌ی، لای یه‌کیک له‌و قازینه‌ی داده‌نئ. ماوه‌ه‌ک پئ ده‌چئ با‌م ده‌ینترتیه لای قازی که‌سه‌نه‌ده‌که‌ی وه‌رگرتیه‌وه به‌لام قازی له‌ به‌ر ئیش و کاری زۆر دیاره بو‌ی ناکرتی بگه‌رئ، هه‌ر ئه‌ورۆ و سه‌بینه‌ی پئ ده‌کا تا عاقیبه‌ت با‌م و دایکی شکایه‌ت ده‌به‌نه لای جه‌نابی به‌رپز سه‌یقی قازی که‌ گه‌وره‌تر و به‌ته‌مه‌نتر بوو. ئه‌ویش ده‌فه‌رموئ، با‌ بچین بزاینن ئه‌و سه‌نه‌ده‌ت بۆ ناده‌نه‌وه! که‌ ده‌چنه مه‌حکه‌مه (ده‌فته‌ری وه‌کاله‌تی ئه‌وئ ده‌م) که‌ په‌رده‌ی هه‌له‌ده‌داته‌وه قازی هه‌له‌ده‌ستئ و ده‌لئ جه‌نابی سه‌یف! چۆنه ته‌شریفت هیناوه‌ته ئیره؟! ئه‌ویش ده‌فه‌رموئ: ئه‌تۆ ئه‌و سه‌نه‌ده‌ی حه‌قیقی بۆ ناده‌یه‌وه؟ قازی عه‌رزێ ده‌کا و ده‌لئ: باوه‌ر فه‌رموو زۆری "لئ گه‌راوم"، بۆم نه‌دی‌تروته‌وه. قازی ده‌فه‌رموئ: جا چۆن لئ گه‌راوی؟ ئه‌گه‌ر لئ بگه‌رئ قه‌تی نابینه‌وه. ده‌بئ "بو‌ی بگه‌رئ".

با‌م فه‌رمووئ: ئه‌و نوکته‌سه‌نجی و ریزبینه‌یه‌م قه‌ت له‌ بیر ناچئ. هه‌رواش بوو له‌ پاشان که‌ قازی بو‌ی گه‌راوو دیتبوویه‌وه و دایمه‌وه.

**تعمیرات موبایل به‌زاد**

همراه: ۰۹۱۴۳۸۰۰۱۸۸

بوکان: چهارراه شهرداری، پاساژ عباسی، تلفن: ۰۴۴ - ۴۶۲ ۲۷۴۷۰

★ تنها مرکز فروش شارژرهای اصل آکستروم در بوکان  
 ★ مخصوص همه نوع گوشی و تبلت ( اصلی )  
 ★ گارانتی ۲۴ ماه تعویض کالا  
 ★ مرکز فروش پاور بانک اصل کره با گارانتی ۱ ساله

# آیا راه درمان کرونا بستن ذهن و معیشت مردم است؟

مهندس لقمان علی محمدیان

درمان کردن یا دامن زدن به کرونا؟

- تعطیلی و گشایش یکباره
- تعطیلی اماکن ورزشی
- پاسکاری در ادارات بوکان
- سیاست های اشتباه مسئولین در مواجهه با کرونا

• نتایج تعطیلی بازار و کلیه اصناف  
• ازدحام جمعیتی

• تقصیرات مردم در پخش کرونا

درمان کرونا که امروزه به یک معضل حل ناشدنی تبدیل شده است همواره سرطانی برپیکره ی جان مسئولین می باشد که همواره همه ی راه ها را امتحان کرده اما به نتیجه ای نرسیده اند. اکنون شتاب زده با اعمال سیاست هایی از جمله جریمه به ازای عدم استفاده از ماسک و تعطیلی بازار، در تلاش برای جبران اشتباهات هستند اما آیا این سیاست ها جوابگو است؟

قشر زیادی از افراد در جامعه که ۹۹٪ آنها افراد مرفه هستند تعبیری بدین شکل که تقصیر به صورت کامل از رعایت نکردن مردم است از بحران کرونا دارند

اما به واقع همه چیز به یک اشتباه سنگین برمیگردد

عدم وجود سیاست گذاری درست و منطقی در مقابله با بحران کرونا و عدم استفاده از شیوه های منطقی و افراد توانا در مدیریت بحران کرونا و کنترل اذهان عمومی مهم ترین بحث در مدیریت بحران، کنترل اذهان عمومی است

رشته ی بنده مکانیزاسیون کشاورزی است اما حتی یک کودک خردسال نیز این را میداند که گام اول در مواجهه با بحران و یک اتفاق حفظ خونسردی برای ایجاد فضای مناسب جهت کنترل ذهن خود و ایجاد بهترین تصمیم و جلوگیری از رعب و وحشت می باشد این همان کنترل ذهن است در مواجهه با بحران، پس بنده تحلیلگر و کارشناس بحران نیستیم و رشته ی نامرتبتي دارم اما از آنجایی که به کارگیری افراد در خوشه ها و مکان هایی بدون تخصص یک امر بدیع است پس بنده نیز با اظهار نظر شخصی و اشاره به چندین موضوع ساده خلاقی را مرتکب نمیشوم.

چندین سیاست نمونه که در مواجهه با کرونا به کارگیری شد

• تعطیلی و گشایش همزمان کافه و قلیان سراها همراه باشگاه های بدن سازی و اماکن ورزشی (یعنی به واقع دارای ارزش یکسان هستند؟)

• تعطیلی و گشایش کلیه ی صنعت کاران و ابزار فروشان با قشر رستوران ها و غذاخوری ها (کارایی این اقشار در یک سطح ملزومات می باشد؟)

• تعطیلی کلیه ی مغازه های سطح شهر و خیاطی و.....

• اجبار در استفاده از ماسک به قید مجازات و جریمه نقدی

• تعطیلی عروسی ها اما برگزاری سوگاری ها  
حرف شما نیز درست است بعضی از مردم با برگزاری عروسی در روستا و باغ ها و....

• کانون گرم کرونا را وسعت بخشیدند اما این نیز نامرتبب با اذهان عمومی نیست  
راه مقابله با سیلاب سد نیست، بند آب است، سیل باید با استفاده از بند آب های کوچک و بزرگ مهار شده و سرعتش کاهش یابد، اگر کل سرمایه در ایجاد یک سد صرف شود در صورت ترکیدن سد کل سرمایه هدر رفته و سیل نیز شدتی یافته است که غیرقابل کنترل

می باشد. مشکلی که امروزه دقیقا به مانند یک سیلاب که سد را شکسته است دامن گیر جامعه است سیاست های مواجهه با آن باید به مانند احداث بند آب می بود نه سد باشگاه ها و اماکن ورزشی مکانی برای ایجاد سلامتی و افزایش قدرت مقابله با کرونا می باشد اما به همین شدت نیز می تواند تکثیرگر باشد اما با سانس بندی و ایجاد محدودیت های فعالیتی می توان این مشکل را به شدت کاهش داده و از تاثیرات مثبت این اماکن ورزشی بهره مند شد  
دلال های ماسک که ثروت های نجومی در این بین به جیب زدند و هیچ گونه سیاستی در مواجهه و کنترل قیمت ماسک و جلوگیری از واردات و صادرات (ابتدای شیوع کرونا کل ماسک کشور به چین ارسال شد) اقدامی انجام نگرفت

• تعطیلی بازار و مغازه ها در شرایطی بود که کلیه ی مغازه ها آماده ی خرید و فروش نوروزی بودند و اجناس زیادی انبار شده بود و این تعطیلی منجر به ورشکست شدن جامعه شد. تعطیلی کلیه ی اصناف منجر به یک فاجعه عظیم شد که هنوز نیز آثار آن مشهود است.

• والدینی که دارای فرزند هستند، با کتک و زور و اجبار تا چند سال قادر به کنترل فرزند خود هستید؟ اگر نتواند به مقصود خود برسد حتی دزدکی کار خود را انجام میدهد چون دارای ذهنی پویا می باشد. اختلاف نثر در این مثال بسیار مشهود است، اعمال سیاست های ده سال پیش بر قشر امروزی و رفتار کردن کاملا ایزوله با صنعت و بازار امروزی به سبک ۳۰ سال پیش بسیار کاری اشتباه است.

• تحریم ها منجر به شکست اقتصادی ما نشد بلکه تحریم ها اثرات سو مدیریتی ما برجامه را تسریع بخشید.

• اگر نیم نگاهی به سطح شهرمان بوکان داشته باشید، در این انبوه کرونا، یک دفعه زورگویی و چاقوکشی و ارادل ازدحام شدیدی یافت و موارد زورگویی و باج گیری و سرقت به شدت افزایش یافت تا جایی که باند مقابله با ارادل تشکیل شد. آیا این موضوع به این سیاست ها و اذهان عمومی ربطی ندارد؟

• حال نمونه ای از این سیاست هایی که می توانست گره گشا باشد

• اجازه کار دادن به بازاری ها به صورت شیفت بندی شده با فاصله فرض مثال هر سه روز در یک ردیف پنجاه مغازه ای، ده مغازه از اقشار مختلف فعالیت داشته باشد کلیه ی مغازه داران موظف به استفاده از ماسک و همچنین تعبیه ی ماسک و ضد عفونی در ورودی درب مغازه باشند.

• شما که مغازه داری آیا حاضر به این نحوه ی کار بودی با کمی هزینه کردن؟ یا تعطیلی کامل؟

• فعالیت مستمر اماکن ورزشی با شیفت بندی و استفاده از کلیه ی پروتکل های بهداشتی با نظارت کامل

• استفاده از قدرت سپاه و نیروی انتظامی به صورت تعاملی برای کنترل ورود و خروج کلیه ی وسایل عمومی و نیاز به صدور اجازه نامه برای ورود و خروج از شهر و ضد عفونی این اتومبیل ها (این امر باید سیستمی باشد، ساختمان فرمانداری مملو از افرادی جهت گرفتن نامه ورود و خروج می شود که این مشکل همواره وجود داشت)

• ممنوعیت رفت و آمد با وسایل نقلیه عمومی که بیشترین میزان انتشار را در

برمیگیرند در حالی که استفاده از وسایل شخصی ممنوع و وسایل نقلیه ی عمومی که ده ها نفر در آن تجمع دارند مجاز است.  
• در نظر گرفتن شیفت بندی برای کلیه ی اصناف و تعمیرگاه ها و....

• کنترل فروش و قیمت ماسک و جلوگیری از فروش ماسک به جز در داروخانه ها که الان دست فروشان نیز ماسک میفروشند.

• در نظر گرفتن تسهیلات و یا حقوقی برای اقشاری از جامعه که فعالیت آن ها به صورت کامل قطع شده است.

• استفاده از نیروی هلال احمر برای آزمایش و ارزیابی و همچنین صحبت با مردم و آموزش شیوه های مقابله با کرونا در اقشار مختلف  
• استفاده از قدرت مذهبی مانند امام جمعه در میان سران خانواده ها و سخنرانی برای کنترل اذهان عمومی در رابطه با رفت و آمد و بخشایش اجاره مغازه و... به بازاری ها

• استفاده از کلیه ی پرسنل پرستار و فارغ التحصیلان (قشر پزشکی و پرستار بسیار زحمت کشیدند و اذیت شدند درحالی که در شهرستان بوکان بالغ بر ۲۰۰ نفر پرستار فارغ التحصیل در خانه نشسته اند این نیرو ها می توانستند به صورت حق الزحمه ای به کارگیری شوند تا قدرت کادر درمان افزایش یابد)

• تعطیلی کامل مدارس می توانست بسیار راه گشا باشد، این موارد برخی ریشه ی شهرستانی داشته و برخی مربوط به سطح کشور هستند اما همواره این موارد بر وسعت کرونا دامن زده اند.

• دلیل استفاده نکردن مردم از ماسک چیست؟ افزایش و نوسانات بیش از اندازه ی قیمت ماسک که به مانند دلار راه کسب درآمدی برای احتکار و خرید و فروش شده بود و همچنین مردم آموزش های لازم در مواجهه با کرونا نداشتند.

• اگر تعطیلی اول با برنامه انجام می شد و یکدفعه ای نبود امروز با مشکلات عدم تصمیم گیری درست و منطقی روبه رو نبودیم. اگر بازار سیاه ماسک خفه می شد افکار عمومی به سمت اینکه ماسک زیاد تولید کردند میخوان بفروشند غیرفت .

• هنوز هم ۸۰ درصد مردم شهرستان بوکان باور نکرده اند که کرونا وجود دارد این طعنه ها از عدم وجود آموزش های لازم و درست به مردم در رابطه با این بیماری و عدم اطلاع رسانی درست می باشد.

• پس لازم است تا در رابطه با تصمیمات و تعطیلی ها کمی امروزی تر برخورد داشته باشیم و به نیازهای جامعه و مردم نیز توجه داشته باشیم.

• حرف دل یک کارگر زحمت کش « برادر مگر کرونا نیست چرا میای بیرون؟ شما جان خودت برات مهم نیست جان بقیه برات مهم باشه شاید ناقل باشی، پاسخ: من ترجیح میدهم شرمنده خدا باشم نه بچه ی ۶ ساله ام، عذاب خدا کمتر از عذاب عدم امکان تامین نیاز و درخواست کودک ۶ ساله ام است و همچنین یک کودک ۱۴ ماهه دارم که ماهانه به اندازه حقوق یک کارمند

هزینه ی شیر و موارد بهداشتی و.... دارد»  
در دنیای امروزی که مردم دارای ذهنی پویا هستند لازم است ارزش خود را بدانند و در پی این ارزش اعتبار داشته باشند :

• مردم در میان تحریم های بسیار سخت در حال مقاومت هستند اما در این میان آیا این کار آنها حائز ارزش است؟  
دولت از مردم انتظار دارد که در خانه قرنطینه شده و هیچ کاری انجام ندهند و کسب و کار

خود را تعطیل کنند، در حالی که در ازای این کار هیچ ارزشی برای خواستگاه و نیازهای مردم قائل نیست. ایجاد وام هایی که افراد بسیار کمی قادر به دریافت آن بودند، طعنه های شدید مدیریتی که بسیار مشهود است، کافی است به یک بانک مراجعه کنید، ازدحام جمعیت به قدری زیاد است که همه در هم تنیده شده اند، آیا در این شرایط باید سیستم استقدام کشور بسته شود؟ یا از نیروهای فارغ التحصیل استفاده شود تا قادر به افزایش کارکرد مجریان در امور و خدمات رسانی به مردم باشند؟

• سازمانی به مانند سازمان اسناد و املاک کشور که ۹۹ درصد دارای کار اتوماسیون بوده و فقط مراجعه در جهت گرفتن گواهی آخر کار می باشد (که میتوان پست کرد) که روزانه مراجعه کمی دارد باید تعطیل کامل شود؟ مگر این کارمندان از نامه اتوماسیون شده کرونا میگیرند؟ تعطیلی این ادارت نیز یعنی تعطیلی کسب و کار مردم

• اگر واقعا میبینید این کارمندان قدرت ارائه خدمات ندارند و سن آنها بالا رفته، نیروهای جوان استقدام کنید این کار سختی است؟ کار ادارات کشور را شیفت بندی کنید یک شیفت قبل از ظهر و شیفت بعدی بعد از ظهر باشد و به صورت مستمر ارائه خدمت به مردم انجام گیرد.

• سیستم های نوبت دهی و انتظار در فضای باز ایجاد گردد شکر خدا هر اداره حداقل ۵۰۰ متر زمین اضافه بدون کاربرد به عنوان حیاط و فضای سبز دارد چرا از این موارد استفاده نمی شود؟

• در جلسات اداری حتما باید عناوین فرماندار و نماینده و فرمانده و... وجود داشته باشد؟ چرا دو نفر پرستار و دونفر دکتر و دو نفر روان شناس و... افرادی که می توانند صاحب نظر در انجام امور مدیریتی بحران باشند حضور ندارند؟

• عمده ی کار مدیریت بحران شمارش تعداد مرگ و میر است، یک شخص به بنده میگفت باید تانک و نیروی مسلح قراربدن داخل کوچه و بازار که مردم بیرون نیان، گفتم برادر مردم بیرون نیان مثل کشور بدبخت و ویران شده ی عراق وسایل و مایحتاج مردم میره دم در خونشون؟  
آیا معاش یا حقوق ماهیانه ای دارند؟ آیا کسی بر شکست نمیشه؟ از فقر و گرسنگی نمیمیره؟

• در این شرایط کرونا که نباید تجمعی صورت بگیرد، افزایش قیمت آرد برای تعطیل کردن نانوائی های آزاد کار درست و منطقی بود؟ این همه صف و ازدحام جمعیت چه سودی داشت؟

• نان نیاز اصلی و جزو کالاهای اساسی در زنجیره ی غذایی است؟  
اما واکنش مسئولین بوکان در این میان چه بود؟

• وارد کردن نان از اهواز و پخش کردن در بازار که این نان را باید داخل سطل خورده نان میگذاشتند آیا این توهین به قشر صنعتی و بازاری بوکان نیست؟

• چرا برای تهیه ی ماسک کلیه ی خیاطان شهرستان توسط صنف و اتحادیه جمع آوری نشدند تا در یک سوله برای تهیه ی ماسک به کارگرفته شوند؟

• چرا قیمت دارو در این وضعیت باید افزایش یابد؟ و چرا با احتکار های میلیاردی در همین شهرستان مقابله ای صورت نگرفت؟ از ماسک و روغن و..... و....

ادامه در صفحه آخر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: حامد قدرتی | تلفن تماس با مدیرمسئول: ۰۹۱۴۳۸۲۲۱۳۹ | تلفن پذیرش آگهی ها: ۰۹۱۴۷۹۵۵۷۳۴

همکاران این شماره: ایوب ویسی، رضا سلیمانی، فریار دباغی، شاهو امیر محمدی، شیرین ستایش، شیلان ستایش، علی حقیقی، فایق شاهی، هادی یاراحمدی، سید جمال حیدری، اسعد دارند  
آدرس دفتر: بوکان، خیابان شهید فهمیده، روبروی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی - دفتر نشریه مادیار  
چاپ: پیام رسانه

ادامه این مطلب از صفحه ۱۵

کلیه ی این موارد تقصیر مردم است؟ لازم به ذکر است که در صورت نبود قانون در جامعه، وضعیت بسیار خطرناک خواهد شد اما در صورت وجود قانون اما یکسان نبودن این قانون برای همه، وضعیت خطرناک تر خواهد شد پس لازم است مقداری تامل و تفکر جایگزین تصمیمات بی نتیجه شود و از افراد متخصص در حوضه ی مورد نظر استفاده شود.

علاوه بر تعطیلی های بی نتیجه که کانون درآمد زایی خانواده را سست میکند، وجود جوانان بیکار نیز منجر به از هم پاشیدن خانواده می شود، کلیه ی این موضوعات که به صورت جمله وار و سوالی مطرح شد چه نتیجه ای جز افسردگی بر جامعه و ایجاد رعب و وحشت، ترس و طلاق و افزایش اختلافات و قرض و بدکاری خواهد داشت؟

آیا بانک ها حاضر به تاخیر در پرداخت اقساط خود بودند؟

قطعاً جواب نه است پس چگونه انتظار کنترل اذهان عمومی وجود دارد؟ چگونه انتظار می رود مردم رعایت کرده و مطیع فرمان باشند؟

نتیجه ی تعطیلی فوری کلیه ی اصناف در بوکان چه بود؟ نتیجه ی گشایش یک دفعه ای کل اصناف چه بود؟

فقط برای اینکه کاری انجام شده باشد؟ در وضعیتی که کشور در جنگ اقتصادی و روانی و اجتماعی قرار دارد آیا درست است کالا به خارج از کشور صادر شود؟

دلیل عدم به کارگیری نیروهای جوان فارغ التحصیل که در خانه نشسته اند چیست؟ آیا یک نماینده قادر به معارفه و جایگزینی فرماندار و شهردار شهر می باشد اما قادر به اعلام نیاز ۵۰۰ نفر نیرو در ادارات بوکان و به ویژه بیمارستان نیست؟

بعد از تعطیلی و گشایش قطعاً مراجعه جمعیت افزایش خواهد یافت و لطفاً پاسخ این سوال را تامل بفرمایید که تعطیلی یک مکانیکی یا تعویض روغن چقدر از ازدحام جمعیت جلوگیری میکند؟

تعطیلی یک فرش فروشی که در روز ده الی پانزده نفر مراجعه کننده دارد چه تاثیری بر توسعه ی کرونا دارد؟

در شهرستان بوکان ایجاد فرهنگ پنجشنبه بازار که به مانند شنبه بازار میدان دواب است منجر به پخش کرونا می شود نه تعطیلی پارچه فروشی و لوازم آرایشی و... ایجاد پروتکل های پیشگیری با استفاده از نیروهای نظامی در تجمعات و رفت و آمد های بی رویه ی میدان اسکندری - بیمارستان منجر به گشایش و مقابله می شود. حال اینجا است که کنترل معنا میگیرد زیرا افرادی هستند که بدون توجه و فاقد دانش و سواد سلامت، دور دور کردن را به سلامتی خود و دیگران ترجیح میدهند.

تعطیلی بازار و اماکن ورزشی منجر به بستن راه های معیشتی مردم و در نتیجه ایجاد هرچه بیشتر فساد و افسردگی و اعتیاد خواهد شد.

تعطیلی رسمی به مانند یک ناسزا به مردم است، زمانی که یک روز تعطیل می شود روز بعد آن جمعیت مراجعه کننده زیادی را به

همراه دارد که این تصمیمات اشتباه را شامل می شود، حتی تعطیلی جمعه نیز بی معنی است زمانی که بانک و ادارات دو شیفته خدمات ارائه دهند و کارها بر روی هم دیگر جمع نشده و مردم نیز وقتی که کارشان انجام شود دیگر مراجعه نخواهند داشت. دیوکراسی های اداری که نشان از بی صاحب بودن این شهر است در سطح شهر جولان می دهد، ادارات این شهر همانند یک مشکل ساده هستند:

زمانی که اتومبیل مشکلی دارد، صافکار میگوید کار نقاش است، نقاش به برق کار و برقکار به مکانیک پاس میدهد در حالی که هر کدام از آنها قدرت تعمیر آن را دارند.

ادارات بوکان، به پاسکاری مردم و به تاخیر انداختن امور مردم علاقه ی شدیدی دارند از این رو مراجعه ی مردم هیچ گاه به اتمام نمیرسد، اداره ی ساده ای مانند اداره ی امور آب و فاضلاب چند نفر ناظر حفاری دارد؟ چند نفر جوابگوی نظارت بر حفاری روستاهای بوکان هستند که یک حفاری لوله ی آب باید ۲۵ روز بدون نظارت باشد و رفت و آمد یک محله را مختل کن؟ بدون شک یا فقط یک نفر است یا نفرات به دنبال کاری دیگر هستند و نظارتی هم وجود ندارد.

اداره ی پست بوکان، محموله های پستی را تحویل نمیدهد شخصا تا به امروز در دوماه اخیر نزدیک به ۵ بسته ی پستی داشته ام در آدرس های مختلف که مامور پست تماس گرفته و گفته مراجعه شده کسی خونه نبوده یا آدرس پیدا نشده به اداره پست مراجعه کنید هر روزی که تشریف ببرید اداره پست

میبینید حداقل ۱۵ نفر در صف و انتظار تحویل بسته ی پستی است آیا واقعا اداره پست قدرت مانور ندارد؟ اگر ندارد چرا از نیروهای جوان برای افزایش کارایی و خدمات رسانی استفاده نمی شود؟ اداره ی پست و کلیه ی ادارات بوکان اگر مورد نگاه حضرات عالی رتبه قرار بگیرند از ۱۵ سال پیش و حتی بیشتر، دارای یک رقم مشخص کادر پرسنلی بوده اند آیا این شهرستان در این چند سال پیشرفتی نداشته است؟ اگر پیشرفت داشته است پس چرا افزایش نیرو صورت نگرفته است؟ اگر صورت گرفته است چند نفر به ازای چه مقدار افزایش جمعیت؟

سوال این است آیا این موضوعاتی که بنده عرض کردم و خیلی موضوعات دیگری که از بحث و بیان کردن خارج است ربطی به امروز شهرستان و جامعه ی ما و مدیریت بحران کرونا و اذهان عمومی دارد یا خیر؟ آیا سوء مدیریت به این موارد منجر می شود یا نه و مدیری که قدرت کنترل اداره را ندارد تا پروتکل اجرایی مشخص وظایف رانترل کند آیا قادر به اجرای پروتکل بهداشتی و جلوگیری از کرونا در اداره خواهد بود؟ پس لازم است اداره تعطیل شود چه بسا که خوب می دانند این مدیران چگونه مدیریت میکنند.

کلام آخر: حتی تعطیل کردن هم مدیریت و سواد میخواهد، تعطیلی باید بر اساس ظرفیت تحمل مردم باشد زیرا که بستن مطلق فقط منجر به کاهش قدرت تحمل مردم می شود.

بزرگترین بازار

# پر تو موبایل بوکان

دپارتمان تعمیرات و آموزش پر تو موبایل مشغول است که

آموزش تخصصی تعمیرات موبایل را با محوریت آموزش سخت افزار آیفون و اندروید

برای اولین بار در بوکان و به صورت فوق تخصصی ارائه کند.

مجهزترین مرکز تعمیرات تخصصی گوشی های آیفون، سامسونگ، هواوی، شیائومی

04446226680

T : 09149827238

09147230391

تعمیرات تخصصی انواع تبلت و آیبید

ارائه کلیه خدمات نرم افزاری انواع گوشی و تبلت

تعویض هارد و گلس انواع گوشی



آدرس جدید: بوکان - مجتمع خرید دادخواه - روبروی مخابرات - طبقه اول - پلاک ۱۳۰